

شاه جلال است متعلقه با وجود مبارک سرکار امیرحضرت قدر قدرت اقدس همایون گلشن الهی

۳۰۱۲

در بالای دیکرهای سرب قبه ای صلا وضع شده است که در شعاع آفتاب دشنی آن قبا از هر جهه اطراف
 در الحاشیه نمایان است و در مشروطان هیچ بنائی با ارتفاع این چهار بادگیر ساخته نشده است و حوض مرمری در
 وسط این سرداب ساخته شده است که دائم آب صاف خوشگوار از او جاریست مرتبه دوم مشتمل بر ایوان
 قلابی است بزرگ و وسیع که جمیع منقش و مجسمه و صور و غیره در این کابری مرغوب و فرشتای لطیف که هستند از نزدیکان
 با اندازه یکسره آنجا باشد و کمال عمارت استادی بجای برداند و پردای نقاشی که جمیع از مسلم استادان بهر است
 در آن عمارت گذاشته شده است و مرتبه سیم آن عمارت مسعوده مشتمل است بر غرفات چند و منتهای بلند که
 در حسن نظر نظیر ندارد و در عمارت در آنجا و اطراف آن کمانهای آن کمان پدید آید است در نهایت زینت و
 صفا است با بجهت چون وضع داشته این همایون کاخ در نظر انوار اقدس طوکانه جلوه کرد از دیگر عمارات مسطحاتی است
 و خوبتر آمد در همان در نمودیمون بسبارگی و اقبال نزول جهلال بان تالارهای یونان کشند و اندیس از سیر و تاشا
 خوان نعم کسره شده شاهزادگان عظام دستبان دولت و تجار تمام از اولاد خاقان مغفور و ناپس سلطه میروند
 اسکنانه تعالی فی دار است و سعادت در که حضور با هر انوار شرفیاب شده در آن محفل میستو مشاکل صرف نما
 نمودند و پس از تمام بنابر عام داده چاکران در بار سپهر احتشام و اعیان دولت ابد فرجام با لباسهای رسمی
 شریف کشته هر یک در مقام و موقع معیت خود ایستاده پس از نجات سلام سرکار اقدس همایون پادشاهی شاهزاده
 حاجی محمد ولی میرزا را مخاطب بخطاب همایونی فرموده قدری از لطافت و آراستگی آن امیر فرمایش فرمودند
 و ازین بر خست و انصراف چاکران حضرت هر یک بفرآورد مرتبه شریف عمارت دیده به شکشا بر توط میرزا شایان شایان
 و جوه خاصه همایون از حضور همایون گذر نهند و چنین و کلاهی حکام و ولایات مالک محمود که در استان
 همایون حاضرند از قبل حکام پیشکش که از اندک در اندک از قدوم منیت لزوم مبارک و فرود وجود فیض الجود خسروانی برضا
 و صفای رونق بهای آن فرموده سلاهای خاص عام در نظر ایوان آن منتهی شود و چاکران در باری بجا کپای اقدس همایون
 مشرف و بخطاب است احکام مقدسه مخاطب میشود (ه) و دیگر از بنای جدید که بر حسب هر قدر در همایون در میان شمشیر
 بنا شده و الحال مشغول انجام و اتمام آن هستند عمارت مبارک دولتی که سابقا در نیاق شمیران بنا شده است در آن
 کوه البرز واقع است اگر چه بر حسب استحکام بنا و نازکی طرح و صفا کمال آقا دارد و سمت جنوبی آن چشم انداز و نظرگاه
 بسیار خوب دارد و لیکن چون سمت شمال آن بعبت ارتفاع کوه مزبور بود است و چنانچه با پدید روح و چشم انداز در
 رای همایون بر آن تقصیر یافت که عمارت جدیدی در حینکه نزدیک بقریه رسم آباد که یکی از شهر معظله شمیران است بنا شود
 که جهات و اطراف آن از همه طرف باز در صفا و دلگشایی از سایر عمارات نیلاقات ممتاز باشد و بر حسب
 تسطیح مکان و شیب و هوا از هیچ اراضی و کشت شمیران ترجیح و مرتبت داشته باشد لهذا بر حسب امر قدر در همایون از
 دو سال قبل معماران قابل و مهندسی لایق اقدام تعمیر و تمام آن عمارت مبارک نموده چون این اوقات انجام و
 اتمام عمارت سپرونی استجا بعضی خاکسپای اقدس همایونی رسید بعین الملک ناظر امر و معروضند که در عمارت مزبوره ترتیب

تقدیر و قایم و احوال است معتقد بود جو و مسعود مبارک امیر حضرت اقدس همایون شاهنشاهی

داده مرکب همیون بزم مساحت و تفریح آنجا تشریف فرما شد و آنجا کارخانه لسان روی که نزدیک بهمان عمارت
جدیده است تشریف برده با اکثری از شایهزادگان عظام و چاکران دولت سپه اقسام که بفرم رکاب همایون بودند
کارخانه فخر بودند اسنادان و عیال آنجا که در حال چای مشغول کار بودند مورد نوازش و انعامات طوکار شد و بفرم
رکاب همایون از بنا واحداث چنین کارخانه بزرگ که مساحت در ایران رسم معمول نبوده و اکثری صنایع که یکی آنها
فقط بیدل توجه طوکار شده است کمال شکرگزاری حاصل گردید و بعد از آن تشریف فرمای عمارت جدید شده پس از
صرف بنا با شاهنشادگان عظام و امنای دولت که در رکاب همایون بودند مشغول نماشد و مساحت آن به
مسعوده گردیدند الحقی تا امروز بنیانی بان زینت و رفعت ساخته شده است آن عمارت عبارت از کاخی است
مربع که در وسط باغی بسیار وسیع بنا شده و مشتمل است بر قصوراتی که در سوئات متعالیه و غرفهای وسیع و
وسیع و بنای او چنان مستحکم و متین که سالیان دراز و قرون پیشا با سلامتی و استقامت وجود فانی بود و همایون
از حوادث و نظایر مسجون و محفوظ خواهد بود در مرتبه تحتانی چهارم و وسیع مترادف محاذی هم وضع شده که از هر
بخش خانه که صحن دیدار آن جسیما از سنگ مرمر صافی است و از منتهی دیگر مسیخ و صحرانظرگاه دارد و در وسط
حوض مرمر بسیار بزرگی است که ایام شبانه روزی علی الاقتال معادل سنگ با از یک سو راه بزرگ آن میچو
و از اطراف سرایر شیشه و بساتین فخر میشود و منجیب شعبای حبسید گردید از جداول مختلفه و انبار معتدله
جاری است مرتبه چهارم این عمارت بجای بلند مرتفع است که در اقامت آنجا با دو در بین حسیع است و اطراف
طهران و شیراز معاینه میتوان دید و شهر در خصوصه که مرتفع البر که هم اوقات برف در قتل آن موجود است و کو
ده اند که مرتفع ترین کوههاست همه جای آنها با دو در بین بزرگ خوب میتوان دید و تا شام نود و هفت بار بزرگی زیاد همیشه
در شیرازات میشود و عمارت از تنگهای آبی پوشش داده اند که هر چه بارندگی شود از نفوذ و سرایت
کردن بطلوبت محفوظ خواهد بود و نیز خاکی ساخته شده است که جمع دیوار و صحن آن سنگ مرمر و بقدرت سنگ است
صاف سرد از میان گرم خانه آن جو شیده بیرون می آید در سمت شرقی عمارت حرمانه بزرگی ساخت میشود که در
نهایت متیاز و صفات اگر چه هنوز ناتمام است ولیکن بنیان و طرحی ریخته شده است بسیار عالی و با صفا و خوش
وضع خواهد شد و از جانب سنی الجوانب همایون امر مقرر شده است که از اطراف و اکناف ولایات اقسام
کله دریا چین کوناگون درختان میوه آورده در آن باغ غرس نمایند که جمع آن صحرانظرگاههای مختلفه و اقسام کله
خواه بود چون آنجا بستان امسال با بعد از ای همایون بر این است که محل اقامت نیایق را در همین عمارت
مبارک که موسوم است بسلطنت آباد است قرار دهند و در تابستان آن مکان مبارک را مقرر سلطنت عظمی و سنی
لهذا با منای دولت و اعیان حضرت امر مقرر شد که هر که ام در نزدیکی سلطنت آبا و بفر احوال خود عمارت
و مکانی ترتیب دهند که ایام توقف نیایق در آنجا حاضر باشند تا بعد از روز در آن عمارت مشغول تفریح و ریاضت
بودند و ساعت بغروب بانه با سعادت و مهمت بقر سلطنت عظمی و خلافت کبری معاودت فرمودند و در همین
معاودت انقلابی در هوا ظاهر شده و برف زیادی باریدن گرفت که سرکار اقدس همایون در کالکته
معاودت فرمودند

توقه حالات و جو و مبارک اقدس شاهنشاهی

۳۰۱۴

چون میل خاطر اقدس مسکون میون همیشه به تیر اندازی توبه تربیت و تشویق توپچان و انتظام دو ات هر چه است
 لهذا بیست و چهار مرد و معتقد و مستور بودند که قوبهای بزرگ همدا پوند و ششت پوند و بیست و چهار پوند در پروند شهر
 حاضر کنند و نشان بگذارند پس در نماز نشستن توبه و توپچان سرکار علیحضرت اقدس میون شاهنشاهی اولاً
 تشریف فرمای محلی که مسیور بود میسر بکنند زمین فرانس و کازر حشمت دند کردیدند و آنها را چندمین مرزور در حضور
 بایرون آتش را دندنی و نقیمت بسیار خوب از خود بر آورده بودند و آن کازر در بعضی از جنگها که بجهت عساکر حضرت شاهنشاهی
 عتبه در سمت خراسان با ترکمان اتفاق می افتد بسیار بکار و مسیج و نای عظیم است لهذا شاهگردان در سراسر ارضیون
 ساختن آنها را کالایا ذکر شده بطور شایسته از عهد به بر می آید سنگهای بزرگ در صحن آتش دادن بهو امیر خدیو
 تیغ و کاشای نظر یکبار بود بسیار با سکو به نظری می پس از آن تشریف فرمای تیر اندازی شده و اولاً سرکار
 اقدس میون بنفس نفیس مبارک متوجه قزاقی توبه تیر انداختن بنشان شدند و در تیر چهارم نشان زده و کلول
 و موجب ابتیاج و تیغ طرین حضور میایون کردید پس اولاً نیز نشان را با کلول توبه و پس از آن شاه شاهزاده
 نصره آله و له حاکم دار الحسلا و طران و عراق و عنبره شاهزاده شهادت میرزا ناپس اولیاد و اجازة طوکا به مشغول
 تیر اندازی کردیدند اگر چه کلولها بنشان مخصوص رسید لیکن جمع آن کلولها قریب و محاذی نشانه واقع میشد و پس از آن
 صاحب منصبان توپخانه که شرفیاب حضور میایون بودند مشغول تیر اندازی شدند و جمیع آنها در اول آنها مورد
 نوازشات طوکا نه کردیدند و چون توپچان که در این تیر اندازی حاضر بودند تیری بود شش تیر اندازی کرده بودند
 در می نشانه رکشته بودند لهذا حکم میایون بشرف انفاذ متفردن کردند که در سراسر و در پیشانی تیر اندازی توبه نمودند
 با همه و کامل شوند

وقایع لظنمی

توقه حالات و جو و مبارک اقدس شاهنشاهی

توپچان و انواع قاهره متوقف از لظنمی با همه همه روز در میدان مشق حاضر شده مشغول مشق میباشند
 هر یک از انواع قاهره و توپچان حسب الامر اقدس الاعلی در دیوانخانه لظنمی حاضر میشوند و سپس از با این لشکر
 در دیوانخانه لظنمی حاضر میباشند و کثیر از ناپسان اجود انباشی و با لشکر نویس فوج موجب حیرت آنها را با عباد و افراد میرانشان
 و حال که یک ماه با خرمسال مانده است چهره و موجب کمال تشویق ایران یاد از دست چهره یکماه باقی مانده از نیم مشغول بر در
 میباشند (۵) چون جان مستخان سر قریب در خدمات مجزیه بخود غفلت نکرده و نهایت اهتمام در عمل آورده بود و محض عیان
 و محبت از جانب منی الجوانب میایون با عطای بکر شده حاصل سرخ و نشان بر تپتی آدم سرافراز کردید (۵) چون سوار
 که حسب الامر قدر قد میایون شاهنشاهی با مورخ خراسان شده بودند کثیر صاحب منصب که از علم مشق و حرکت لظنمی
 دزدن اردوی قشون با بصیرت باشد لازم بود و آقا رضا خان ناپس اجود انباشی که در تهاست در کاب مبارک
 سفر حضرت خدمت کرده و در عمل نظام مهارت تمام داشت مشارک لایسه ان منصب اجودان بشیکری اردوی

خراسان برافروخته نمودند و در آنجا شد و بکثرت چنانکه کرمانی خلعت مرحمت کردید (ه) و چون افواج کسانان و امانان
بامور خراسان بود مصطفی خان سر قیام اول را از درگاه مبارک مرخص و بامور فرستادند که در وقت تدارک افواج مزبور را
دیدند بزودی روانه خراسان شوند (ه) و بپیمان شیرازی که احضار بدار الحلافت شده بودند بر حسب امرهایون عیال
سرسنگ شیرازی بدار الحلافت آورده شد و بیایب خاک پای علم حضرت اقدس نمایان گشته بود و عیالت گاه گشته و مشغول مشرب نشدند

وقایع یو انخانه عدلیه

حاجی سید رضی که از آنخواه علم و تقدیس فرودین است در دیوان عدلیه عارض شد که مخفی موسوم پیرس از مال مغزی اید
و بعضی از تاج و انالی محسود آباد و نظام آباد و ناصر آباد بجنب تصرف کرده اند از دیوان عدالت بجهت حاجی حسن خان پشکا
آولایت حکم صادر شد که چند نفر از ریش سفیدان اهل خبره فحاحت فرستاده تعیین حدود قریه مزبوره را نمایند و حقیقت را
بامعای دیوانخانه مبارک که اظهار داشته تا مطابق عدلی و شش مجلس شرفصد در پادشاه رالیه در این جناب غوررسی کامل نمود
استشاده می نمود بمر اهل خبره و محسودین فرودین فرستاده بود تعیین حدود هر یک از قریه مزبوره بود و بر حقیقت مغزی یا
کوهی داده بودند لهذا فرستادن مبارک از دیوان عدالت بر حقیقت حاج مغزی پیر صادر کردید (ه) علی اکبر پیک و محمد رضا پیک
درستم پیک پیران علی محمد پیک کردستانی عارض شدند که معادل شش هزار تومان طلاک بار از انالی کردستان سالهاست
بجنب تصرف کرده اند از دیوان عدالت عظم حکم صادر شد که بمجلسی غلامعلی خان احقاق حقی شود و از قرار که مشار الیه
نوشته است حقیقت مشار الیهم شهادت عواقب ثابت و محقق شده طلاک را بتصرف آنها داده است

۳۰۶۵

سایر اخبار و اختلاف

تقریباً اینکه عزیز خان سردار کل از بدایت این دولت مجاهدیت در خدمات دولتی کمال اهتمام نموده طریق حد
باقدام صداقت پیوده است لذا نظر خدمت او در حضور همسایران جلوه گر کردید و او را در جلسه مجلس دار شورای کبری
که مجلس شورای وزیرای عظمی است مقرر فرستاده دستخط مبارک باین پنج شرط در پادشاه
چون در وقت از او خبر بدید
مجلس شورای وزیران مقرر شد
بجای از جناب شخصی مخصوص از این
و این مجلس خوار از این مجلس از این
سردار کل از توکران بزرگ است
و ضامن است به دولت و است
نیز در مجلس مجلس وزراء و مشور
دو مجلسی است

چون حاجی کریم میر متصل بود بشوشه و اگر حکومت آنجا در تحت اطاعت حاکم عربستان نبود موجب بی نظمی امور نصیحت
میشد لذا بلا حفظ نظام امور عربستان و مشمول مراسم خاطر هر مظا هر نمایان در باره ضیاء الملک حاکم عربستان حکومت بجای
کر سیر رضیه حکومت عربستان بضمیمه الملک محول و موقوف فرمودند (ه) و چون مشار الیه بعضی لحاظ ضرورت
داعی شده خانه که در دار الحلافت ساخته بود بفرودش سازده بود در این اوقات سرکار علم حضرت قضا بطلت
همایون شاهنشاهی مبلغ پنجاه تومان بجهت تسویه خانه در حق مشار الیه مرحمت و عنایت فرمودند و در این روزها
مجلس الشات بکثرت قبای نری بر رسم خلعت در وجه ضیاء الملک مرحمت فرمودند (ه) و محض اندازه الشات

تبیخ اجبار و راههای آن در آنجا

در حق عین الملک و تقصیل جان پشتری مشارالیه یکثوب خردیست را به محنت فرمودند و عرق تن پوشش مبارک را
 زین پیکر افکار خود ساخته قرین سرافرازی گردید (۵) و چون مستوفی الملک در خدمات تحوله و شمع حیات
 دیوانی و انجام خدمات موجود مجاهدات لازم بطور رسیده از نظر خدمات خود خاطر مطلق بر همایون آید
 و خوشنوداشد لهذا یک حلقه کشتی الماس بر لبان بسیار خوب از جانب سنی الجوانب همایون با در محنت اعطای
 چون میرزا یوسفخان کارپرداز دولت علیه مقیم حاجی طرفان در لوازم خدمت مقرر مستهای کفایت و کار دانی خود را
 بکار برده در سرپرستی عیالی دولت علیه و اداره امور آنجا است ایضا اهتمام را بعلی می آوردند از برای خدمات با عطف
 یکتفوتان شیر و خورشید سرپوشی از درجه سیم با جمایل زر و کسب مخصوصه سفر از کردید که بعد از این نیز در کمال است
 و دقت تمام با مرآت تحوله و موجود بود پس در ارد

وقایع و احزاب آذربایجان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند نامور الملکت از دوزخ کفایت و کار دانی شاهزاده معزالدوله و سوار کل در میان
 اشقام و انضباط است و مردم در کمال همت و رفاهیت عیالی دوام عمر دولت جاوید آیت مشغول میباشند
 بعضی بی اعتدالی دزدی که از ادبش در شهر تبریز اتفاق می افتد در راه ستر طریق آنرا بفرست دریا قه مسدود نموده اند
 چند نفر دزد و با شمشیر جنگ اسباب دزدی ساخته بودند و اموال مردم را از بازم بازار باد شکاف تخمه های دکا کین
 بیرون کشیده میزدند در این اوقات محمد صادق پیک در و خداز انجمن اطلاع یافتند نزدای مزبوره را بدست آورده امور با
 مردم را که بتفاریق برده بودند استرداد نموده و پنهان کردند (۵) چند باب دکان بدفحات آتش گرفته و با تمام دار و
 تبریز آتش منطفی گشته ضرری کمال رعیت در نین آمده است از جمله در شب سلخ شهر جمادی الاخری کان صناعی که متصل با آب
 هیزم خیار بود آتش گرفته و از آنجا با سب از هیزم افتاده و یکپار آتش گرفته بود دروغه علیجات جمع نموده تا پنجاهت
 از شب گذشته بکلی آتش را فرو نشانده بیچهار آتشی چو کاکین حول دوحش در و نیامده است

۳۰۱۶

اجزای اوقایع خراسان

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند قوام الدوله در آن ملکت عباخان پیکر سپکی را بجهت رسیدگی عرایض و مطالب ریای
 معین نموده مستر داده است که هر یک از مطالب جزئی که محتاج اظهار قوام الدوله نیست خود رسیدگی نموده مفروض نماید
 و امور عمده و کلیه را رجوع بخود مغزی ایسر نموده بروفق قواعد شرح دعوت صورت انجام دهند و مردم باین واسطه کمال
 رضا مندی و شکر گذاریدارند (۵) شاهزاده چشمه الدوله در اشقام امور آن ملکت خاصه نظم قلعه مبارک که ناصری خراسان
 کمال مراقبت و اهتمام دارند از جمله در روان نمودن غده با تو لایت لازم موجب محول سیدارند چنانکه این اوقات مقدار
 غده که از مرشیز و غیره بجهت فرستادن قلعه مبارک که ناصری کل با رض اقدس شده بود بهر اهی فوج نیشابور روانه آنجا داشته
 و غده که سابقا بهر اهی فوج عرب عجم ارسال داشته بودند با سنجار رسیده خبر وصول آن با رض اقدس آمده است
 و مقدار سه هزار خوار غله از شجاع الدوله بمبلغ پانزده هزار تومان استیاع نموده اند که در قلعه مبارک که ناصری
 تحویل بد

دارالمرکز

استرabad در این شهر از این ولایت خبری رسیده کیلان از قراریکه خبر رسید در اتقنی چند باب مکان شکرشده
قشون ماضی موقوف اتقنی مطلع شد آتش را خاموش نموده بسیرجا اسراست کرد ما ز دران جزایست ولایت خبری نیست

بستان

بستان

بستان

صفهان جزایست ولایت رفاه رعیت خبری رسیده بر وجه در قراریکه نوشته در امر آن ولایت از کمال کفایت شاهزاده محمد اول
مکران آنجا نهایت نظام داد در روز دوشنبه در قطع نظری نهایت محصل است و عموم مالی بجای دوام نمرد دولت در افزون شود
و شاهزاده مغزی از طبع تا غروب انجام خدمت دیوان انجام مطالب مردم اشتغال از (ه) فتنه بسیار جوید و ماکولات در آنجا
در کمال ارزانی و فراوانیست همسه از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند امر آن ولایت از حسن مراقبت کفایت سراج الملک حکم آنجا
کمال نظام را داده بجهت تعالی و ذوق نعمت و نیت حاصل است (ه) در استرabad که نوشته بود در از وقوع اتفاقه در سرح ضعیف طفل
خود را در آن عرض کرد شاهزاده خود پیرون می آید که در دو چاراد می شود که طفل را از راه گرفته بخورد ضعیف طفل خود را محکم در بغل نگاه داشته
با کرک مناظره بینیند که کچند زخمی آن ضعیف وارد آورد و عاقبت بخت ضعیف و طفلش جان سلامت بر میرند (ه) در
از بعد از بظرف زنجان می آمده اند درین راه از شدت سرما حاضر نشوند و پایشان از رفتار باران زده کرک نیز دو چار آنها شده آنها را
خورده است (ه) همچنین شخصی شاهسون از سرحم بجان آبا د عازم بود مالی سرحم او را جاننت بینیند او در در حق مباحث کرده
بلاخره روانه میشود در عرض راه ککی باور رسید شخص شاهسون چوبی که در دست داشته با کرک بنای جدال میکند ارد عاقبت چوب
شکسته کرک بر او فایز گشته او را میخورد از سایر ولایات عراق جزایست ولایت روزنامه و خبری رسیده است

۳۰۱۷

وقایع و اخبار بستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته اند امر آن سرحد از نور مراقبت و کفایت ضیاء الملک در کمال نظام است
و ضیایق در عهد امن و آسایش بجای است پنهان مکرر حضرت قدر قدرت شاهشاهی اشتغال دارند (ه)
افواج قاهره و توپخان که حسب الامر با مور توقف نوشته شد با کمال نظم و آرامی حرکت مینمایند و صاحب منصبان
آنها در تعلیم مش آنها بچو غنمت دارند و ضیاء الملک مکرر عربستان قرارداد است باهی بود دفعه قشون موقوف شوش
مش شیک توب تفک نمایند و محمد سخنان پیرشار را این نینیم در تعلیم افواج و مش نمودن با آنها نهایت مراقبت و مویبت
یعنی آورده می آورد (ه) شیخی خان سر تپ افواج ابوالجهمی خود که نامورس خلد آنجا باشد در سر خدمت بوده این
ضیاء الملک مشا رسیه ابجه اشظام امور بسند ر محرمه و اصلاح امر حاجی جابر خان سر تپ و سرحد در روزانه محرمه و غلام حیدر
دو دست از سر باز ابوالجهمی مشا را لیه نیز در بند محرمه نامور و مشغول خدمات یوانند (ه) امور توپخانه عربستان از نظر
اهتمام محمد باستان خان باور توپخانه مبارک عظیم است و بموجب قرارداد ضیاء الملک میرزا رضا سلطان توپخانه مبارک که با دو خواهر
توب مشا رسیه محرمه که در مشغول خدمت پنا (ه) یکقراده توب نیز در مشغول شش چون که در ذوق ضیاء الملک قرارداد است
که بشوش آورده در قطع سلاسل بکارند و پای توب مزبور را ببت قرارداد اند و بسنهای قدیم حسب الامر موقوف است

روزنامه و قیام ثقاتیه بیابانخ یوم شنبه بیستم شهر رجب المرجب مطابق قیام قوی سال ۱۲۷۶



اخبار داخله ممالک محروسه

الحمد لله مزاج شاهنشاهی در کمال سعادت است و هر روز در عمارت مبارکه سلطنت مشغول بر رسیدگی امور است و مستعد
 چون فصل شکار رکن بود در راه رجب بکن رفته هفت شب در استیلا نذره کبش روز با شکار تشریف سپردند چون امسال برین
 کم بود کبک و تیوس بسیار کم بود چندان شکاری نشد لکن شکار کوهی زیاد بود و یکسوی روز در کوه نذره کبک شکار شد سر باز و پیدایند
 و نایت شکار را جو که کردند صبح زود سوار شده رفته در جانی که باید شکار بکنند و با تفنگداران خاصه نشسته شکار زید
 آمد و شکار بدست مبارک زدند و شکار دیگر را هم غلامان گرفتند چون کل روز را بکن برای گذراندن بعضی حمام لاهی
 احضار فرموده بودند در این روز نهم یکی در رکاب بودند و از قاشای این نوع شکار مرصه در و فرحناک شده بعد از
 شکار به سربازان و پیدادگان و لشکر اران انعام شایسته الثقات فرمودند و بسیار خوش گذشت و غذای آنرا در بر داشت
 بمتر خلافت فرمودند (۵) روز شنبه پنجم شهر شعبان صبح زود سوار شده بیابان شریفین بردند برای راه
 انداختن یکسکه از قشونهای امور خراسان و آنرا در بجهتی سینه بود که چو وقت در طهران سهل است و پرچم جان سرما
 شاه نشده بود باد بسیار سرد میوزید بنا را در بیابان خورده بعد از آن سیراه خراسان رفته و از اینقرار لشکر و خزان
 از حضور گذشته پس از آن جمع سیر کردگان با نور و غیر امور خاصه بردند و در قیام سیرانان سیرتی محمد حسنخان فرامانی با
 سواره قدرت چنگو شاهسون سیر کردگی رضا قلیخان سیر امیرخان مرحوم و چهار عسکر ده توب با سینه و پنجاه بار قورخانه و پنجاه
 و هجده سیر بازی و چهل هزار و دویست تومان پول نقد این یکسکه قشون همراه حسینخان شهاب الملک نمودند که بودند
 و یک جبهه لشکر کلوزن بسیار خوب حسینخان شهاب الملک الثقات فرمودند و بیستون انعام الثقات فرموده بودند
 فرمودند و بعد از آن چون هوا بسیار سرد بود کالسکه نشسته بجا رفت ارک مراجعت فرمودند

و قیام احوالات متعلقه بوزیر امور خارجه و سیر کارهای حضرت امیر کبیر علیاحمد خان امیر

و تالیع و آئین و در بار معبد لیس در دیوان و در آستانه و در دیوان

وقایع لطیف می

چون ساسم خان شجاع نده و در ایلیان ایل معتمدان و نامور داد و طلب گرفتن کینوج جدید از ایل زعفران پوشیده فوج مزبور
 بزودی گرفته میست نمود و امیر حسین خان برادرش که سابقاً منصب و مراجب سرمنشی داشت لکن فوج نهشت لکن
 مزبور را ابو ایمن مشارک فرموده فرمان خلعت مرحمت و انفاذ کردید (ه) عبد العسی خان سرپت تو بخانه
 مبارک که آذربایجان محمد حسین خان سرپت فرمانی و پیریز خان سرپت سوار چهار دلی با سواره مزبور که احصار
 برکاب مبارک شده بودند در روز جمعه سوره شهبان المعظم وارد شد و در شرف شرفیاب حضور سماع النور
 نمایون اعظم حضرت شاهنشاهی گردیده مورد تطفات و نوازشات طوکانه کشته به سالار امر و معتمد فرمود
 تدارک از بزودی ید و در شب نیمه خیم افواج فرمانی و سواره قورست پیکو با ضایع خان سرکرده آن بقای حسین خان شجاع

وقایع دیوانخانه عدلیه

چند نفر از رعایای تحت یزد بار اخلاص آمده بنا کپسای مبارک شاهنشاهی از زیادتی مبساشتر خج عارض شدند
 حکم مسایون شرف نفاذ پیوست که در دیوان عدلیه بحقیقت عرض آنها رسیدگی شود و رفع تعدی از آنها بشود
 لهذا منای یو اتحانه مبارک که میرزا ضای کاشته صاحب دیوان حاکم یزد را احصار داشته بعد از کنگوی یاد رعایا
 مزبور بعضی اجماعات تعدیات قلداد نمودند و الترام سپردند که اگر تامل و از شوینند آورد بر یک بیادش عرض خلافت
 که کرده اند یا نقد چوب بخورند اگر تامل نمودند همسان یادی از با شتر استر او و با شتر شود و با شتره یا نقد
 چوب بزنند و مغزول نمایند که دیگر احدی مرکب تعدی و زیادتی نسبت بر عیت نشود علیهذا اعلامی از دیوان عدلیه
 نامور و حکم شرف صدور یافت که غلام مزبور بهر اهی رعایا سپردند از شتره صاحب دیوان بحقیقت امر رسیدگی نماید
 و در صورت صدق عرض رعایا حاق تامل آورده باشد آنها را مغزول نمود و شبیه عمل عمل آورند و دیگر رعایای مزبور
 عارض شده که در گفت فتای که موسوم کمان است محروم و با یزنا نه است باین واسطه سازن ایالت
 دیوان اعلی قدری بصورت خواهد انجامد استعدا که شجاعی بحقیقت ثبات مزبور از دیوان اعلی مرحمت شود
 که خودشان هم مجایز نموده ثبات او ایر نمایند لهذا محض شمول مراسم خسروانه یکصد تومان برات بحقیقت ثبات
 که آن عنایت مرحمت فرمودند و رعایا با کمال خوشحالی و کوفی روانی شدند (ه) حاجی میرزا مادی جو اهری از بغداد
 آدمی فرستاده در باب قرینه آورد متصرفی حاجی حسن عرب بیوان عدلیه عارض شد بود و مدعی گردید که حکم مزبور
 پس مشارک و حاجی حسن بحسب متصرفت لهذا طرفین در دیوان عدلیه حاضر شدند حاجی حسن فرشته حضور بمزبور
 حاجی قلا علی ابراز نمود که حکم مزبور بر حساب ارشادال بیست و پنجی حسن بوده و در حالتی که مشارک را ایسا بالغ و رشیده بود که
 مزبور را بکاخ مش را به مصاحبه نمود و است بجهت وقت در امر قرار بر آن شد که بحقیقت را از مغزی ایس سوال نموده از
 قرار تصدیق ایشان قبول دادند بعد از جمع بمغزی ایس با نظران حکمی نوشته فرستادند که حکم مزبور از حاجی حسن است بعد از این
 و مصاحبه مرحمت ام است لهذا از دیوان عدلیه معتمد فرمان مبارک بر حقیقت حاجی حسن عرب صادر شد

سایر جنبه‌ها در اختلاف

چون متردین هابری از دولت علیه بحاکم دولت عثمانیه چارزاه خانقین طرف عراق عرب بپرزاه تشرف در پنج
 ارزانه ازوم بجهت دفع فتنه در آن دو جا استودی و آزادی بخشید و خسارت و سختی کشید و بجنوبه برزادر و حجاج
 این دولت منکام عبور و مرور در این دو جا صدمات اردمی آمد و منظور نظر محنت اثر شهر کار حضرت اقدس پهلویون شاه
 عالیان پناه خلد آنکه دستک در این تقسیم موجبات آسایش و نیت برای رعایای دولت علیه میباشد سفرای
 سابق این دولت از دربار پهلویون دستور العمل تراکرات اولیای دولت عثمانیه در رفع فتنه این از این دو جا داده شده بود
 و سفرای مزبور در این باب بحسب دستور عمل اولیای دولت عثمانیه مکالمات نموده مراتب رحمت و
 خسارت تبعه در رعایای دولت علیه را از زیارتنا حسی در بی دلیل بوان وضع قرانتین در حدود و ممالک محدود در حالتی که
 بحدانته تعالی بسح مرض مسری در یکی از ولایات این دولت علیه نبوده باشد که شکر ایشان کرده بودند تا اینکه نیز چنین
 بسمت زیر مختاری ایچی کری مخصوص برای اقامت در بار دولت عثمانی با موریتت بهر سینه اولیای دولت علیه بحسب
 اشاره علیه موکانه بعبوری الیه دستور العمل کافی در این خصوص داده و بعد از درود و محل با موریتت با اولیای آن دولت مکالمات
 داده و دلایل عدم لزوم این کار را قانع نموده و بجهت اینکه بنای قنار اولیای دولت عثمانی بر ازیاد مراتب استی و تنج
 دولتی اسلام در رعایت مراسم جمعه اسلامی بوده و پناشد در پست و یکم جمادی الثانی ۱۲۶۶ موافق نوشته رسیده
 میرزا حسین خان زیر مختاری و ایچی مخصوص این دولت اعلام کرده اند که از خانقین و مشرف دینج مادام که مرضی مسری در حاکم
 محدود نبوده باشد قرانتین برداشته شد الحقی اولیای دولت عثمانی در محافظه مراسم بچستی و خیرخواهی مضایقت کردند
 و بواسطه این متذکر داده نشاند اولیای دولت بکه نزد عموم مالی است و محکمت قانده دلیل بر حسن نیت خودشان نسبت به دولت
 علیه نمودند لکن بحسب امر اقدس علی چاید هر یک از حکام و مباحثین امور دیوانی ولایات محدود به نهم رعایای
 این دولت از شهری و بلوکی اعلام عمومی نمایند که من بعد ان شانته تعالی با کمال بسایش و نیت و آزادی از راه
 خانقین عراق عرب در پنج طرف ارزانه ازوم برای طواف پست الله انعام و زیارت اماکن شریفه و تجارت عبور
 و مرور نمایند بدعای دوام عمر دولت حضرت شاه اسلامیان پادشاهت شوکت پر داند و ترجمه روزنامه فرانسه
 موسوم به ژورنال دکونستانتین اویل که بتاریخ پشم ماه ژانویه ۱۸۸۷ در ایسیوی مطابق پست و ششم جمادی الاخری ۱۲۶۶
 بجهی در نمره ۱۱۳۵ در اسلامبول چاپ شده است در این روزنامه چنین لفظاً بلفظ سمت تطبیح می یابد
 سال گذشته در باب فوایدی که عاید دولت می توانست بشود از کار بردن چرخ قدرت خود را در تسهیل اسباب عبور
 و مرور قافل که علی الاقصا لخیال فیا بین دولت ایران دولت عثمانی چارزاه بعنداد و چارزاه ارزانه ازوم در حرکت مستند
 شرح مفصّلی ذکر کرده ایم ولی دو علت عمده مایه ترک انندام این امر و صنایع محل و نقل که بغایت نافع و سودمند مالی عثمانی است
 بر زندگی حالت بی راه و دیگر می صحتی که بواسطه قرانتین که بهیچوجه مضرتری نبوده و علاوه بر آن در بدترین حالتها مرتب
 بودند عاید احوال متردین میشد اما از بابت صوباتی که تعالی ارزانه ازوم دارد در رفع آن تا آینه سبکی از طرف دولت مقرر

تقدیر استواران
 در بار محسن
 و در باران
 در باران

توقه اجتناب در دربار محمد شاه اراک و در اراک شاه قاجار

اگر صورت زمان مانع از کار کردن نباشد و بود تا بحال اکثری از آن را بهمانا شسته و قانون و دستار دادی که دولت
عثمانی در خصوص راه سازی اخذ کرده است چنانچه ذکر نموده ایم گایسته بود که این راهها را قبل تردد سایر امور و تزویر
رسم قرائتین کلیه که بموجب او داده و حضرت سلطان فی غیر از اوقات بیستایه مقرر گشته است بسبب است باعث رفع و دفع
اشکالات عمده شده است که نفع عظیمی برای شریف امر تجارت و کسب ممکن بود
در خاتمه این که در سرحد ایالت بغداد واقع است در قریب دویست و پنجاه کیلومتر با یزدان اول سه صد ارزنده از روم چند سال قبل از این
سختی که گایسته بر ترک تجارت بودند از این دو نقطه عمده محل و غسل ترتیب داده بودند و همچنین بطوری بد مرتب شده بودند
که به سبب قابل حفظ امنیت از خطراتی که از وجود استراتیجین مقصود دولت بودند در آن محل خالی از سکنه نه مرخص خانها
سماخانها و نه سبب روزه صطبل یافت نمیشد چیزی جدا در کرباس بجای آن بکشتند بر پا کرده بودند حالت این قرائتین
این بود و اکثر اوقات طیب که بخود عظم قرائتین است هم یافت نمیشد و جمع قرائتین است در این حالت مجبور بر توقف
چند روز در آن صحرا و سر بردن در زیر آسمان بوده پس از سه مصلی زیاد حاصلی که... به سرده بود مگر امر اضرتی که مال
ضایع شده و از این اوضاع در نقطه حصول آن مقصود که دولت در نیت خود است غیر سبب بگردشده و در تجارت کسب
ترک میل مسافرت از راهی را میگرداند که بجز مصلی و خطرات و صدمات حاصلی نیست و از طرف دیگر نسیل است
عمل و نقل از راه رود سیه که در جبهه ترغیب مترادین و ترک راههای ارزنده از روم و طس بر زن و مسام میشد
است سال قبل از این این قرائتینها که ذکر نمودیم چندین باعث خسران و ضرر بودند بسبب اینکه چه در این خط و
چه در خط بغداد قرائتینهای مذکور در داخل شهر واقع شده بودند ولی این اوقات که از آن فرار خارج شده
و در سرحدات تعیین نموده بودند عدم است ادایینا پرواضح بکنا چار بود و در حقیقت کون از روی استحقاق است که
ترک این رسم البتة کردید آنچه مخصوص دولت ایران جناب میرزا حسین خان که مدتی است در بالین بیماری با مزاجی است
چنانکه ذکر آنرا نموده ایم چند روز قبل از این جمعی از اهل ایران که از جانب جمع تبعه دولت مزبور منتخب شده بر آید
اطنار نیت خالصانه و دعای صادقت از اهل ایران در شفای جناب ایشان بعبادت آمده بودند در این موقع
جناب امجدی مخصوص بعد از اظهار تشکر از این حرکت شایسته آنها بایشان بیان نمود رسم استین که جمع مترادین و عابرتین
ایران مجبور بر تحمل زحمات و صدمات آن بودند از سرحدات دولت عثمانی بالمره ترک و موقوف شد اما در میکا است
صحت عاده در آن طرف سرحد عثمانی باقی خواهد بود علاوه بر این جناب میرزا حسین خان اطنار داشت که یک نوشته
رسمی از جانب جناب فراد پاشا وزیر امور دول خارجی به سعادت ایران تصدیق این خبر خوش را میکند جناب میر
محمد شرف ختم کلام خود نیز اطنار داشت که هنوز ششماه است شما در این با دانه باریک بسفارتی که من از ریاست
شرف دارم مگوشه نمودید که است اد این قانون باعث خسران کثیره و ضرر عمده تجارت شما خواهد گون بود بواسطه شخص
دانشمندی که رئیس وزارتخانه امور خارجه باب عالی است از صمیم قلب ضایع است و مستندان از سعادت ایشان ایم
بجهت همراهی قادران که در حل این مسدود مشکله با من کرد و نتایج منافع عمومی ممکن است را بقصدیق مصفا استان حاصل

۳۰۲۱

تقدیر اجتناب در باسعادت و احوال و در احوال و در احوال

۳۰۲۲

نمودم این منقبت یکی که باین شدت مفید بر تجارت اهل ایرانست و شما کون از جانب ایشان کالت آید باید این منظور است
 باعث تجمل دوستی دلایل مراد و حسنه فیما بین این دو ملت بشمارید و حکم و جویت دائمی لادفات و احوال بود و پیشگی بهم منقبت بود
 و ما معتقد بر آن هستیم که بواسطه ترک وضع این قرآنی سیاهی فایده مدنی طول کشد که نیاز عمده از تجارت است و آنچه فیما بین این دو دولت
 وقت حاصل شود و حاصل سعی و کوششهای عالیته جناب اعلیٰ مخصوص دولت ایران با تقویت درانه که در توسیع اسباب تجارت است
 فیما بین این دو ملت که باین شدت منافع و مصالح مشترک و همسواره سعی در ترقی او می نمایند و در آنجا که از جانب دولت
 بکار برده شده است که امر و اراده حضرت سلطان ادره و بر دستش قرآنی تجمل اهری دارنده کفر طلب حاذق است سعادت
 دولت عثمانی مقیم اهلان خواهد بود با نوریت یکدیگر از حالت صحت و عافیت آن ملکت سخنا بهم برساند که در ظهور امراض سریره در این
 موقتی بر سر آر کرد و اگر اعلیٰ مخصوص دولت ایران در این آیه بر نماند و دولت عثمانی را مستحق تشکر و ستایش خاطر خود میداند
 باید بخود جناب میر حسین خان نیز اظهار تشکر و اطمینان نمود که از روز و روز خود با بسلا مبول بواسطه غیرت استخوانی که از امور
 دار و مشغول در شنید مانی دوستی این دو ملت بجز امور معنی تلاش نماید و در اظهار نکات و رموز است فایده که در این باب است
 شریک در دفع و ضرر و مفروضات یکدیگر پراکنده است تمام مینماید و نیز در عفت و خودمان بحال خوشحالی تصدیق این ترتیب
 تجارت دولت عثمانی را از این نظر می کنیم و امید داریم که این ترتیب در حدود بهین جا نباشد
 نظر بطور مرحمت در باره شاهزاده محمد تقی میرزا یک قطعه کل که بحال با لباس از شکارگاه کن با دستها مبارک شرفند در
 و غرض وصول ایش (ه) چون چند سال بود که بجهت در استخراج قهوه و قهوه بعضی احکام هم در بالای تقویم فرستند اگر چه در قهوه
 هم نیرسند لکن نظر باینکه اخبار موجب ترزل خاطر و خیال مردم میشد لهذا حکم های یون شد که حکام ولایات
 بمخبرین قدغن نمایند که در صدر قهوه و قهوه نوبت چنانچه در سنوات سابقه و از منتهای معمول بود که همان کوکب
 و احوالات کوکب و مساحت ایام و لیالی را می نوشتند همان بنویسند (ه) چون خسرو میرزا بر کاب مبارک بود
 یکتوب کتیبه تن پوش مبارک در حق او مرحمت کردید (ه) چون عزیز خان سردار کل از نظر خدمات کلب حسین خان
 نظام اظهار رضامندی کرده حسن خدمت او را بعرض خاکپای مبارک رسانده بود موجب مزید مرحمت خاطر های یون
 در باره شاهزاده شده موازی یکتوب جنبه تره کرمانی در حق او خلعت مرحمت کردید (ه) نظر بطور قاطت حاجی
 مطلب خان بنگر و سیدی عزیز خان سردار کل خدمت سرکردگی سواره غوی و سرپرستی ایلات قلع خوی و سلماس
 بجهت شاهزاده مرحمت و معوض گردیده نشان های یون صادر و یکقطه مشال خلعت مرحمت و الفاذ کردید (ه) چون
 نجفعلی خان پیکر سپکی ارومی این اوقات مرحوم شده بود جانشین خان پسر ارشد او با سدهای سردار کل بمصوب
 پیکر سپکی ارومی سرافراز نشان مبارک شرفند و ریافت یکتوب جنبه تره کرمانی خلعت مرحمت شد (ه) از ستر که
 شاهزاده چشمه الدوله و قوام الدوله وزیر ملکت خراسان بعرض رساندند التیاری خان حاکم در بزر در حفظ و حراست سرحد کمال
 بی مسالاتی داشت و بر عیت هم اذیت میکرد در رعایای در جزم از او شکای بودند لهذا بهادر خان در جوی که از بنی اعمام
 آفات و بحسن شاد و سلوک موصوف بود بگومت در بزر منصوب شده فرمان مبارک صادر و یکتوب جنبه کرمانی

تقدیر اخبار دربار همایون و دارالخلافه

ادب و بیجا

وقایع و آهنگ اخبار

در روز

صفت مرحمت انفاذ کردید (ه) در این سنوات در غیبت شاهانک محمد و سزا زمین توتیه اولیای دولت علیه عموم صنایع
 ترقی کلی نموده است از جمله در کاشان صنعت صیربافی و غیره ترقی کامل کرده قماش نفیس و جمایل هر جور و هر رنگ لقمی که
 مطلقاً از جایهای لشکر نمیستوان اقبال زاده از کار خانها پیروز می آورند در این روزها امین التجار کاشان بعضی از
 نقایس قماش از حریر و غیره مصنوعی کاشان بجهت بیگس حضور در حضور همسایون انفاذ داشته بودستلا حاجی حسین بجا کاشان
 معروف خاکپسای مبارک گردیده چون بسیار خوب است انجام داده بودند در نظر کمیاب اثر همایون سخن آمد و محسن حضور
 مرحمت در حق امین التجار مشایخ کتب جبهه ترقی کرمانی بر رسم صفت عنایت فرمودند و امر و مقرر شد که پانصد رشتیه
 از هر رنگ تمام کرده بصدوقخانه مبارک بپارود (ه) چون رحمة الله خان پشاور نظام شجاعت خاصه حضور همایون
 هوایه خاطر مرطفا هر سرکار اقدس شاهنشاهی را سرور داشته در شکارگاهها امر و تبسبب نثار می خدمتگاری بطور
 میرساند در شکارگاه کن موازی کیتوب کلچر ترقی بطنه سنجاب در حق او مرحمت عنایت فرمودند (ه) و کیتوب جبهه کرمان
 در ازای خدمات میرزا حسین شکار در لجنه خدمت کردید

در روز شنبه ۱۳۰۲۳

در شنبه که در روزنامه مشرق معتمدین نوشته بودند از فرط کفایت و حسن کفالت شاهزاده حشمت الله دولتی و قوام
 الله و وزیر مملکت خردسان امور کتفینت قرین کمال انشظام و ضبط است و حیت اساسی عمومی حاصل
 و از تفصیلات خدادندی بارندگیهای زیاد و بوق اتفاق ششاده عادت کسین قاطین در عین قیاس ششول
 و حامی دوام بقای ذات کثیر البرکات حضرت اقدس شاهنشاهی میباشند (ه) خلایع اشعه شعاع و انعامات
 و اکرامات که از جانب منی الجوانب سرکار علیحضرت رفته است همایونی در حق شاهزاده مغزی الیه و قوام الله
 و سران سپاه حضرت همراه در صاحبان افواج قاهره موقوف آن مملکت احاد و افواج و غیره سمت اعطای یافته بود
 و وصول ارزانی داشته شاهزاده حشمت الله و قوام الله و سایر چاکران جان نثاران شرایط استقبال و
 لوازم عنبر از و احترام بطور رسیده هر یک خلعت و نشان خود را زین پیکر افشا ساخته قرین بجات و سرآت
 پلانایات گردیدند و فریاد امید واری با عطاقت حضرت شریاری حاصل شد حاجی ابوبل بنجان قنشقار که از دربار سواد
 مورد رساندن خلایع و نشانهای مرحمتی و موجب انعامات کمرتی بود بر حسب دستور بعمل شاهزاده مغزی ایسه هم روزه در
 دیوانخانه بزرگ ارک افواج و سواره راه سه تیرسته حاضر نموده با میرزا محمد لشکونیر صاحب منصبان آنها نشسته موجب
 و انعام هر یک از افواج و سواره راه در شرف مقربان و سوار و سوار میرسانند (ه) در چون بجهت خریداری غلظت
 از جانب اولیای دولت علیه مصحوب مشایخ را لیه رده اند شاهزاده مغزی ایسه شده بود شاهزاده و قوام الله در
 خریداری غلظت بر آمد و خریداری نموده و میسما یزد که انشا الله تعالی بجهت عساکر منصوره نمونه انکنت معطلی حاصل نشود

۳۰۲۳

سترا باد

وقایع و اخبار

از قرار یک در روزنامه استرپا نوشته بودند میرزا دادا در ایس میرزا پسر شاهزاده گلک که از جانب معزی ایلی بجهت وصول
 و ایصال مالیات که کلان نسق امور آستان نامور شده بود مالیات اتمام و کمال وصول کرده و نظم دستوری را امور استرپا دادند
 و از کلان معادرت نموده بسکر که در جاه آهه از و بجای سبانه امور بلوک که در جاه رسیدگی کرده و ارد استرپا شدند
 و از جانب معزی ایلی بجهت یون محض محنت موازی کیلوب جنبه تره کرانی حاشیه از صنعت بافقاراد محنت و انفاذ شد
 این اوقات شاهزاده ملک آریجه سرکشی و بازید سکر با بصوار شده سکر بار بازید نموده و تا سکر حفر آباد کرد و ش نمودند
 در چون مستخفین هر یک از سکر در نهایت استعداد بودند و در مرتبه استخفا با سحر کوه تابی کرده بودند شاهزاده معزی ایلی آنها را
 نودنش نموده به نام دادند (ه) جمعی از نواره استرپا قچی از ترک غزیت تخت جول حوشل استرپا کرده با طراف شهر
 آمده بودند از اتفاقا حسنه در یک روز چهار جا بسواره ولایتی قزاقول دستخفین بر خود و محمد عیجان فرجودی آنها را تعاقب کرده
 آنها سر نموده بودند وقتیکه از نزدیکی قریه اردو تیر یک شمشه انالی قریه مزبور مطمع شده فلک با آنها شیک نمودند و در سب
 از آنها کشته شده فرار کردند و دیگر نیز از آنها که بعد از سک رفتند و در آنجا هم فرار کرده بکفر از جوانان آنها با
 دور ایس اب دستگیر شده است **کیلان و مازندان** از این دو ولایت خبر تازه رسیده است که نوشته

۳۰۲۴

اخبار

اصفهان از قرار یک در روزنامه استرپا نوشته بودند امور آن ولایت از نظر کفایت شاهزاده چشم اندود در نهایت شکی
 و نسیب است (ه) و در خصوص بعضی دانات که بواسطه عدم مبالهت با شرین و صیبا قدیم از خیر آبادی همتا ده بود
 کمال مراقبت و موظبت نموده و میسایند که ان شاه امدت عالی برودی آبادی حاصل نموده محل بسکلی در زراعت شود از قرار یک
 نوشته اند در این اوقات در همدان بزرگی شده موجب امیدواری عسوم مردم گردیده است (ه) یکی از تجار آردی داشته
 در همدان آدم در بعضی اموال او را سرقت نموده فرامیسانید مراتب که میرزا ابوطالب نیز از آنها می شود سواد با طراف و ستاد
 سارق را در حوالی قیام دستگیر نموده می آورند و اموال را استرپا و به جایش ردینا مینند و در راه شپس محل میکنند
 برو و جرد از دسته در یک در روزنامه استرپا نوشته بودند امور آن ولایت از کمال استقام و کفایت شاهزاده عضد الدیم که سلطان احمد میرزا
 حکمران آنجا نهایت اشظام را دارد و از نده و بیشتر و قطع الظرفی نهایت همت بجهت عوم انالی حاصل آمده است قاطبه
 ساکنین بجای دو اعم و در کادس هابون ششال دارند و شاه معزی ایلی از طلوع تا غروب در انجام خدمات و بران
 و انجام مطالب مردم مشغول میباشند (ه) غده و سایر جوبات و ناگولات از هر قبیل در آن ولایت در کمال از نانی از نوبت

فارس

در فترت یک در روزنامه شیراز نوشته بودند محمد آقای سر مکتب فوج شیراز جمعی خود را در آنجا گردیده بفاصله یک در شیراز با فخر
 فوج مزبور را در میدان سان دیده محدودی که از فوج مزبور پسر شکره بودند شاهزاده جسم بسطه حکمران آنجا تدهن نمودند
 که آستانه اخراج نموده عوض کپزند (ه) فوج کلیری که نامور فاروس شده بودند و در کشته در خارج شده و در شاهزاده
 معزی ایلی بسان آنها رسیدگی نموده در کمال همت و استقامت و در مورد نوازش شدند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم شهر شعبان المعظم مطابق سال قمری ۱۲۷۱



اخبار و خدایا محروسه

نزدیک به مسعود ایون حضرت اقدس شاهنشاهی در کمال صحت و بهجت است بمورد روزانه رعایت وقت مشغول رسیدگی امورات دولتی و شرفیه
 بهام محکم و تحصیل بیجاات فاجیه پشای رعیت شده (ه) در این روز آنچه روانه گردیدند و ام قشون نامور صفی خاگان سبب غصه ناک که
 نزدیک شهر است تشریف فرما گردید و سپهسالار جمیع صاحبان نظام ملثم را کاب ظفر فرجام بود و قشون نامور به کمال ایستادگی در لشکر انجمن
 مطهر و سایر ایون که نشسته هم از مرام و عنایات لوکای مستظرف امیدوار گردیدند (ه) عبدعلی خان سر قیابانه باده عواده توبت سید نفوس خودی و روزانه
 فوج ستم خودی جمعی جمید خان سر قیابانه ای قبی خان سر قیابانه فوج ستم خودی جمعی ابوشیخ خان سر قیابانه با صد نفر سواره چهار دولی
 سیر کردی و پرویز خان سر قیابانه از بیچاره عازم صفیات نامور شده (ه) پس از روانه نمودن قشون ظفر فرجام ای جهان آرای ایون اقصای
 سیاحت و شکار فرموده و جمعی از قشون کاب لشکار گاه که نزدیکان بیخ است رفتند و یک آمو بدست مبارک شکار فرمودند و شکر مبارک به این
 مشغول بخرج و سیاحت و لذت بردن بفرستند عظمی سعادت فرمودند (ه) در همین وقت که در بعد تجد و آنچه روانه نمودن یک دست
 و یک از قشون نامور صفی خاگان بیخ تشریف فرما گردید و پس از صرف نماز عظمی که معبر جهان عبود قشون از آنجا شد تشریف فرما گردید
 و شاهان مکرری شیخ الملک فوج بهادران و فوج قدس جمعی خود و چهار عواده توبت پیوند و با صد نفر سواره ایلات قشون ابوجمعی محمد رحیم خان زنده
 با کمال ایستادگی از حضور ایون که نشسته مورد زواریت ملکه کشنده و معجزه در بار که بعضی فریاد است در دستور عمل قاریان که بی کمال امیداری و استقامت
 بود و زوده قدغن فرمودند که در بعضی راه کمال نظم حرکت و زوده از حفظ قواعد نظام مختلف برینند پس از فرستادن و نام نمودن این قشون غریب و بیگانه
 فرموده شکار چنان آمو کردانی نمودند در این زوده و جو برست سمارک شکار شد و ف کلوا که دیدند در این قسم شکار که در صفیات مشرق بین نمایند که با این
 ممالک ستم نیست و دگر با استداول باشد و آن چنان است که شکارچی در یک محل حبسی از سایر جا است تربت فرستند بطوریکه آمو اور نشینند و
 دگر استون آمو کردانی میوز با بیظور که هر قسم آمو حرکت میکنند آن سواران از دور در دست و آموها را ای من بعیت میکنند مگر در جاییکه آمو کردانی
 از آنجانب خطا و دگرستی نیست می نمایند که محمد و آموها را خطا و دست که بچند مرتبه که بیظور حرکت دادند آموها را بدی شود از آنجا مکان کمال

وقایع مستظرفه بوجوه مسعود مبارک حضرت اقدس شاهنشاهی

۳۰۲۵

نشسته است عبور نماید و گاهی چنان اتفاق افتاده است که فاصله شکاری بقدره نرسد بوده است بعد از شکار شریف فرمای

وقایع نظامی

چون عتیقی خان با کونی سالهاست در مدرسه از لغزین مشغول تحصیل علوم نظامی بوده و قابل شده بود محض مرحمت در ابر کرسی در
 فریدین صهبان بر سر اردو سرافراز فرمودند و موازی یک قطعه شال کرمانی خلعت مرحمت کردید (۵) و چون علی اکبر خان سرمنگ
 فوج کرمانی فوج خود را در کمال نظم کاب مبارک آورده بود محض ظهور مرحمت یک قطعه شال کرمانی خلعت مرحمت فرمودند
 و چون فوج کمر حبیبی عطیخان سرمنگ که در سال بود با سوار سواران کرمانی در این اوقات حسب الامر الاقدس الاعلی مرتضی
 خانه گردیده بود در شب اول به ما را مرتضی نوده خود بر کاب ظفر اشاب مبارک مشرف گردیده بعد از شرف انداختن
 خاک پای مبارک بود در مرحمت و خواطف موکانه کردید (۶) فوج نیم خوی ابو یحیی حبیبید خان سر تربت فوج سر بندگی ابو یحیی
 ابو یحیی خان سرمنگ در روز چهارشنبه ششم وارد گردیده و در روز شنبه دوازدهم به همراهی عبید اعلی خان سر تربت تو بجان
 دود عراده توپ پر دیز خان سر تربت سوار و چهار دولی روانه خراسان شدند

سایر جنسار و اصلاحات

نظر بحسب خبر مکه اری میرزا پیر مستوفی وکیل صهبان محض از راه مرحمت با عطای کیشوب جبهه از جانب منی انجوانب ساهست
 مشغول و مباحی آمد (۷) چون این اعاب برین جان حاکم کرده سس همواره در انجام خدمات ایوان اعلی لازمه مراقبت مهم
 بعمل آورده مراقبت جان نشانی که مشکند اری بتقدیم رساننده بود حسن خدمات او در خاک پای مبارک کسختن مرغوب
 افتاده با عطای یک قطعه نشان بر تپ با یک رشته جامیل مخصوص آن مشغول و سرافراز کردید (۸) اگر چه در خراسان اسما
 بارندگیهای موقوع در دار الخلافه شده بود ولی چون عمده دلیل خوبی سال برف است و کمتر آمده بود طمیسنان کامل بکجه از
 حاصل نبود بجهت اعتسالی در او سله ماه شعبان برف باران بسیاری آمده عموم االی را طمیسنان کبی حاصل کردید شاکر
 دو جا که چاشند (۹) شاهزاده کت آرا حکمران نازندران دستر اباد در روز شنبه دوازدهم برف قعیل شده
 سینه و عتبه علیه محافظت حاصل نموده در باغ صهبانگ که موکب همایون بجهت رسان قشون با مور خراسان تشریف
 شده بود بزیارت حضور لامع النور همایون فایزه مختصر کردید در حسب امر قدر همایون محض مرحمت در باره معزی ایله شاکر
 رکن الله و عین الملک و جمعی کثیر از نوکران ایوانی باستقبال معزی ایله رفت با کمال احترام وارد کردند و حکم همایون بزرگ
 عظام شرف و دریافت که بزودی کار ناسیکه در ضرورت داده چند روز بعد از نوز و زحمت متفر حکومت خود بجا
 چون ایام ماه مبارک رمضان مخصوص طاعت عبادت است استقبال بجهت یوانی برای مهنای دولت عبید
 قدری صورت اردو لند اسر کار بجهت قدر قدرت انشای خدماته که وسطه بجهت رفاه حال طبقات چاکران
 در باره معدلتد امر دستر فرمودند که اولیای دولت و زرای حضرت فلک بطلت در منازل مقرر خود از سه ساعت
 بعد از بانه پنج ساعت از شب گذشته بشینند و خدمات بحوله و مرجوحات مقرره رسیدگی نموده شبانه شریف
 حضور آفتاب ظهور همایون گردیده فرمایند است علیه در حق هر یک خواهر شد و بعد از پنج ساعت بجانهای خود معاد

تاریخ و شایع و احسن در باره اصلاحات و در باره اصلاحات

خواهند که در هفته اعلام غمگین در روزنامه نگار مشرب یافت

در چندین شب بخت مردم اطلاع برکت غروب آفتاب تا طلوع صبح لازم بود ساعات و دقائق از شهر تعیین یافته در شبهای ماه مبارک رمضان در ساعاتی غریبی این ساعات و دقائق برسته ساعت ناه وقت طلوع صبح است

شب شنبه	غرة	یک ساعت و چهار دقیقه	یکشنبه	مهم	یک ساعت و سی و هفت دقیقه
دوشنبه	سیم	یک ساعت و چهار دقیقه	سه شنبه	چهارم	یک ساعت و سی و دو دقیقه
چهارشنبه	پنجم	یک ساعت و پنج دقیقه	پنجشنبه	ششم	یک ساعت و سی و یک دقیقه
جمعه	هفتم	یک ساعت و نه دقیقه	شنبه	هشتم	یک ساعت و بیست و نه دقیقه
یکشنبه	نهم	یک ساعت و دوازده دقیقه	دوشنبه	دهم	یک ساعت و بیست و هفت دقیقه
دوشنبه	یازدهم	یک ساعت و پانزده دقیقه	چهارشنبه	دوازدهم	دو ساعت و دو دقیقه
پنجشنبه	سیزدهم	دو ساعت و چهار دقیقه	جمعه	چهاردهم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
شنبه	پانزدهم	دو ساعت و هفت دقیقه	یکشنبه	شانزدهم	دو ساعت و بیست و نه دقیقه
دوشنبه	هفدهم	دو ساعت و دوازده دقیقه	سه شنبه	هجدهم	دو ساعت و بیست و هفت دقیقه
چهارشنبه	نوزدهم	دو ساعت و پانزده دقیقه	پنجشنبه	بیستم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
جمعه	بیست و یکم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	شنبه	بیست و دوم	دو ساعت و بیست و نه دقیقه
یکشنبه	بیست و دوم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	دوشنبه	بیست و سوم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
دوشنبه	بیست و سوم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	سه شنبه	بیست و چهارم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
چهارشنبه	بیست و چهارم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	پنجشنبه	بیست و پنجم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
پنجشنبه	بیست و پنجم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	شنبه	بیست و ششم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
شنبه	بیست و ششم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	یکشنبه	بیست و هفتم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
	بیست و هفتم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	دوشنبه	بیست و هشتم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه
	بیست و هشتم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه	سه شنبه	بیست و نهم	دو ساعت و بیست و یک دقیقه

تقویم و قیام و اجتناب در باره شهر اراک و اراک

۳۰۲۷

از قراریک در روزنامه آنجا نوشته اند سردار کل در نظم و نسق امور ولایتی در قیام مهمان محکمی لوازم بعد و بعد مرعی داشته اند
 مسکوره بطور میرسد و علوم مردم را از نو گردانید رضا مندی و شکرگزاری کامل حاصل است (د) غفلت آن شب
 طلعت که از جانب سنی الجوانب یون شناسی در حقش برآورد مغز الله رحمت و ارسال شده بود شرف وصول
 ارزانی داشته معنی الیه در دیوانخانه غفلت مرآت جانان از پیکر اشیا خود ساخته هیچ چاکران یوانی و اعیان
 محکمت بجهت تهنیت حاضر گردیدند (ه) (داد ایل حوت و شباه روز باران رحمت الهی علی الاطلاق نزل بوده حسیح
 الایرا طیسان و شکرگزاری حاصل گردیده است

آزادگان

از قراریک در روزنامه مشهد مقدس نوشته بودند شاهزاده حشمت الله در نظم و نسق امور محکمت و رفق همای و ولایت
 کفایت و مراقبت بکار میرسد و در رفع هر گونه بدعتی با حساب کمال سعی و اهتمام مرعی میدارند (ه) محمد رحیم خان

خوبان

خندان

مختصت معادن لشکر که همواره در مساندن خوانه بارش اکتسب بود و در کشت و دوغاده توب نیز که با فلسه نرسب از فوج سمنان
و دامغان نامور و در دانه املکت گردیده بود و در کشته است

سندان

از قرار یک نوشته بود در میان این جوانان بسیار که پیشتر قدری مسازعه و کنگو بود این در زمان رخ شده با موافقت یکدیگر راه میروند
و علامت حسین خان علامت مختصت که از جانب سنی الجوابت یون سرکار صاحب مختصت است این مختصت مختصت جوانان بسیار بود و در روز
که کوه تا تخت خان حاکم آنجا با جمع مردم با استقبال صفت آمده با کمال اغوازد اگر ارام صفت پوشان کردند

موت

اصفهان از شهر که در روزنامه آنجا نوشته بودند شش هزاره حتام اندوه حکمران آن ولایت کمال سعی و اهتمام را
در آبادی ولایت و بنیت رعیت ارزده در این روزنامه قدغن نموده اند که معادل پانصد هزار درخت از نو در هزار جریب اصفهان
غرس نمایند و در تعمیر و آبادی عمارات با عانت نیز کمال مویلت می نمایند (ه) از خوب آنکه در مانی مادیانی سوار شدند
از قریه بقریه میرفته است در کنا چشمه آبی که در بین ابادی در دل میاید و از انشا قات اهلش رسیده نوبت می شود مادیان او از
جهد و مفارقت می کند دست روز در اطراف آن چشمه که در مشن نموده از ریشه گیاه طرف چشمه که آن سبک و بجای زرقه با وجود
برفت سرما محل می نماید تا آنکه امانی و تیره شخص حال شخص بر می آید جدا و با مادیان او در کنا چشمه یا قتل می نمایند
فوج کتار کوزلوا بر اجمعی محمد حسین خان سرساف هر روز مشغول مش بوده با کمال نظم حرکت می نمایند بر وجه
از قرار می که در روزنامه آنجا نوشته بود در امور آن ولایت از حسن کفایت شش هزاره عهد الله و در نهایت شطام است و نسبت
کام در طرق و شوارع حاصل و خدادانی نعمت بجهت تقوی زیاده زهد است در این اوقات برکت باران یاد آن ولایت
آمده چسب امانی را اطمینان کلی است داده است ولی از قرار یک نوشته بود در اوسط کثرت بارندگی هوا در بردت شدت
بهر مسانده بود چشمه از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته بود در اوایل ماه شعبان سراج الملک بجهت عیادت حقیقی خان حجه
بقریه اقلق رفته بوده است در شب تو شمشالیه در قریه مزبوره در شعبان خانه آقا شیخ علی تاجر از دز میرند علی بصباح تبر
میرزا ولیخان پاپ انگونه اظهار می شود مشارک به بجا نه مزبوره آمده کمال تحسین عمل می آورد با لاجرم دعای در آنجا پدید می شود
که صاحب آن شخصی توپچی بوده است در ساعت سیر از فوج اجدان توپخانه مبارک که آن شخص را حاضر شده از او جوای می شود
بعد از آنکه او اصرار بر ظن او را با قراری آورد در رفتاری جز در آن کیفیت توپچی و کینفر بالا با بچی بوده اند نشان میدهند آنها را نیز
اموال را با تمام دستر داد و بصاحبش و در میان دست رقبین اجبوس ساخته بعد از معاودت سراج الملک بتاریخ تسلیم می نمایند
از عجب است اتفاقات آنکه زنی از اهل سنجان گزاره وضع حمل نموده پسری آورده است که از کمر پائین سفید و بالا سیاه سر و اند
شعابت عزیز و پیر و چشم بسیار بزرگ بالای پیشانی داشته و سر او نورانی داشته و دو شاخ کوچک در میان آن سوراخ
بوده است و کوشای او در پهلوی چشم او بوده مانند کوش که به دل بهای او مانند خون سرخ بوده بعد از دو روز در مرده
بزرگ از شهر که در روزنامه آنجا نوشته اند امور آن ولایت قرین اشطام و بصفت با است مردم آسوده خاطر و
در کوی دولت آباد نماز می شنند (ه) صاحب بدویان محض غرضی در عمل با شرین قرار و بلوکات قرار داده است

۳۰۲۸

موت

تقدیر جناب اعران

که از هر یک از قرار حول دوشس سپه زلفریش سفید شتر آمده با باشد عمل خود را مفرغ نمایند در صورتیکه زیادتی و اجمالی اند
مباشترین نسبت بر عیت شده باشد احقاق حق نمایند و هرگاه باقی در محل بوده باشد قرار می بردن صلاح مال رعیت کار و دیون
بر بند که هم رعیت آسود باشد و هم مال دیوان اصل شود (ه) در این اوقات بعضی پول قلب در ولایت بخرج داده بودند
بعد از اطلاع صاحب دیوان از این معتقب از کارکنان دیوانی ولایت میخواستند بعد از شخص بسیار چند سکه و سکه از خانه
شخصی پرون می آید چون در آن شخص در آن اوقات بخراسان فرستاده است آنها را نگاه داشته اند تا شخص معتقب از سفر رجعت
ناید و مورد تشبیه نموده دفع تعجب او بنماید بعضی اشخاص اگر از دست آنها پول قلب آمده دست بسته شده است
آنها را نیز گرفته نگاه میدارند تا حقیقت امر و کیفیت از اسپان نمایند

عربستان

محمد سخنان سرنگ پسر ضیاء الملک نایب الحکومه شوشتر و زفول در مراسم خدمتگذاری و ولایت داری پیچوج
خود داری ندارد و کمال اهتمام بعمل می آورد

فارس

از قرار یک در روزنامه شیراز نوشته بودند شاهزاده حسام السلطنه بعد از سه روز به رسیدگی امور ولایتی و اجرای احکام دیوان
در عمارت لطفانی تولايت نشسته عالی اعیان ولایت چاکران دیوان قدر آیت هر یک حضور بهم رسانده بر حسب صواب
و دستور بعمل معزی ای مجذبات محوله قیام و اقدام مینمایند (ه) در آوا اصطفا که شسته برف زیادی در شیراز آمده چون
بسیار بارش و باعث منافع کثیره بود دلیل بر زیادتی علات و برکت و غیره بود جمع انالی را آسایش و اطمینان کامل
صالح آمده است (ه) در رتبه ماه شعبان شاهزاده حسام السلطنه بجهت قرار نظم کسیرات روانه آنساعات شدند

۳۰۲۹

آذربایجان و بوچستان

از شهر اریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند محمد اسمعیل خان وزیر در تأمین طرق و محفل شوارع شستر ایطه اهتمام و مراقبت بقدم
رسانده و قسیده از نوازم کفایت حاصل میکند از آنجمله چون در این روزها خبر رسیده بود که دوسه دانگ از سواره بلوچ
بطرف همدان راه رفته است مشارالیه بلوکات خنصر و کوهپایه و کوهسار نوکه آکا فذ نوشته فرستاده است که در دهنه جاده و قزاق
خانهاست حفظ بکنند و از طرف ادلی غفلت نورزند و این سالیط حسیع حابری و مترادین در کمال رفاه و آسایش عبور و مرور نموده
دعاگوی دولت ابر منظور چاشند (ه) در نیمه ماه گذشته محمد اسمعیل خان برای روانه نمودن قشون با مورد بلوچستان بآبان که کمتری
کرمان است در قشون را در نهایت شگوه و آراسستی روانه نموده است بجهت مزید رسیداری خوانین بلوچستان از جانب شاهزاده
کیومرث میرزا حکمران کرمان برای آنها صلعت ارسال داشته اند (ه) و از قرار می که در روزنامه سبزان نوشته اند همروز
مقتنی در قات مرز خه مبارک شاه آباد کار میکند و از قرار تصدین اربابان با برشته سر جان قات مر بورد زیاد و صبر و عجز
بطلع فیروزی مطالع محضرت اقدس شهنشاهی خلدانه ملکه آباد خواهد شد (ه) و از قرار یک نوشته اند که در
بارزگیسای بموقع در کرمان بلوکات آنولایت شده است و علات و جوبات و سایر امور در نهایت فراوانی و اعیان
و مردم در همین فاه مشغولی و های دولت جاوید اشباه پناشند

روزنامه وقایع اتفاقیه تیاجیوم پوبلیکیشن ششمین شهر رمضان المبارک مطابق سال شمسی ۱۳۱۴

مطبوعه دار الحکومه طهران

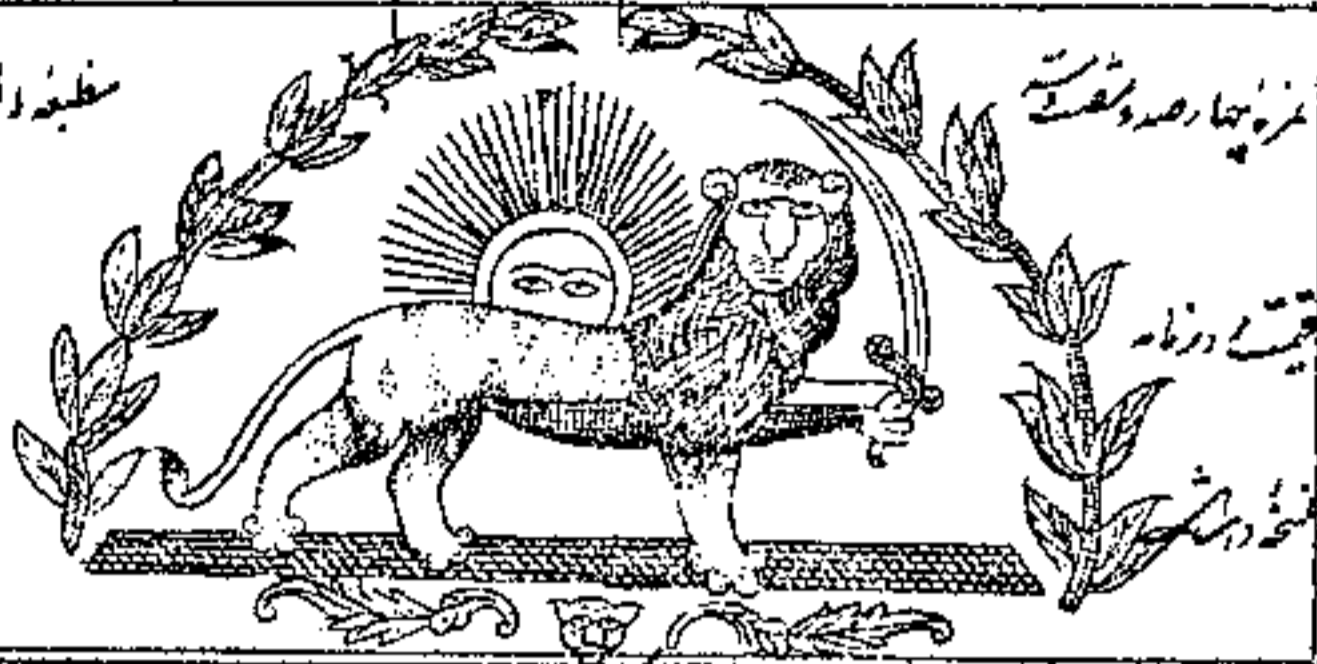
نزه چهارصد و شصت

قیمت جلدات

قیمت روزانه

مطرد و شماره

نسخه در شماره



اخبار داخله ممالک محروسه

در روز پنجشنبه ششمین شهر رمضان المبارک سرکار عظیم حضرت آقا سید علی یون شاهی بیخ صفا ملک تشریف فرما شده قدری
 از قشون با سواره نامور و خراسان اسان دیده روانه فرمودند از اینقرار توپک چهار غزاده با توپخانه و لوازم آن
 فوج شقایق بیعت صادق خان مرتقب پسر شیرالدوله در کمال آراستگی و نظم سواره مکرری هفتاد نفر سوار پنج
 صد و هفتاد نفر سواره شاهسون شیخان و پنج نفر خزانه سیزده تومان بصحبه قومان یک تفکدار خاصه و
 پهل نفر علما و خاصه کابی بجهت سرکردگان سفارش و تاکید شد که در عرض راه با کمال نظم و قاعده حرکت کنند
 و بجهت پیاده و سواره الفام القات فرمودند از اینجا بیگار آورده شدند شکارند مراجعت بشهر فرمودند
 فردای آن روز بار بار بیگار آورده شدند چهار عدد آهوی با تفنگ زدند هر چهار آهوی را در تاخت زده با کمال مسترت
 بشهر مراجعت فرمودند در این روز که ماه رمضان است روزنامه مردم الی دو ساعت بعزوبان
 مختصند از آنوقت الی چهار ساعت از شب رفته سرکار آفتاب هایون شاهی بیخ صفا در دیوانه
 مشغول بر رسیدگی امورات دولتی هستند و جمع نوکران از هر طبقه هر یک در مکانهای معین خود الی پنج ساعت
 از شب گذشته حاضر شده و هر کس مشغول امورات محوله بخود است

احوال است و معلومه بود و امور و منارک حضرت جلالت

۳۰۳۰

بعضی از حکام دلایات برای استفاضه در سلام عید سیر و ز نو و دزی استعدای اخصار بهار الحکومه و در
 حضور باهر انوار قدس کالیون کرده بودند مثل ملک آرا و غیره متمسک ایشان در پیشگاه مبارک بن سبت نزدیکی
 بمقر خلافت عظمی بفرج است رسیده قبل از تحویل سال فرحمنده فال شرف اندوز حضور در مسایون شدند

در اخبار و وقایع

در بیان مصلحت استوار کردن ایالتها و در بیان مصلحت استقرار قیام و قیام در ایالتها

در سایه عدالت پایه های یونان و مدافع ممالک محدودترین است و به نظام است حتی طوایف ترکمانیست که کان
 و ترک نشین و کشته سواحل آنجا مثل سیسیلی و کوش تپه و چرکن که در سنوات قبل از عدم موطنیت حکام سابق بر
 از بقده اطاعت بچده مزاحمت با حواله ای استر اباد و غیره میرسانید این اوقات غالباً بدست حرکت
 میکنند و برای حصول مزید امنیت و انتظام تصفیات استرداد امیرای چند که از ایرانی و سایر در میان
 طایفه قراچی مستند حسب الامر لافه تسن مقرر است که در بهار سال اردو فی بقدر کفایت در کرکان نزد
 شود از میان تو جهات خاطر ادرسون ایون و اهتمامت ملک آرا امید داری حاصل است که هر روز
 بر نظام و امنیت تصفیات آسودگی مالی آن ملک پیفزاید و اسدانی هم که در میان طایفه غر بوزر هستند
 و مستخلص شوند (۵) چون وقت الامت سرکار عیضرت قدر قدرت ادرسون شاهنشاهی خدائمه ملک
 و سلطان همواره مصروف برنت که قواعد موده و بدعتهای مستجنه که از قدیم الایام در این دولت متداول
 معمول بوده است بکنی مرتفع فرمایند در این اوقات بجهت آسایش حال رعایای دولت علیه بعضی احکام داده
 نموده جاری فرموده اند که ان شاء الله تعالی استقرار آن موجب منافع کثیره بجهت دولت هدیه خواهد بود
 عامه برای قاطبه رعایا حاصل خواهد آمد از جهت بر حکام هر یک از ولایات ممالک محدود مستحکم و واجب شد
 که در هر یک از عیسای دوز و زنی بجهت حضور هر طور همایون شاهنشاهی و اولیای دولت بدشاهی چاکران در بار
 معدوم پیشکش و تعارف نقد دارند و بدی بود که در این ممالک و ولایات از کینه خود نمیدانند و اگر با
 از رعیت دریافت نمیکردند با نامی مختلفه از رعیت میگردانند این معنی موجب ضرر و خسارت رعیت میشد
 لهذا حکم حکم همایون بشفرت صدور مقرر گردید که بعد از این حکام ولایات بکنی این رسم را موقوف داشته
 برای حضور همسایون و قسطنطنیه سلطنت سایر امای دولت چاکران درگاه و عشیره تعارف نفرشده در
 این پیشکش و تعارف بعضی عوارضات و صادرات را که از رعیت دریافت میکردند موقوف نمایند و خلایق را
 که بین دینیه خالقند مرده و اسدده سازند هرگاه بعد از این معلوم شود که با وجود موقوف بودن رسم پیشکش
 همان معاهد سابق را با رعیت معمول است معنی منظورند استند و در این پیشکش و تعارف نقد از خود حکام
 دریافت خواهد شد علاوه بر غزل مورد مواخذه و سیاست نیز خواهد آمد گردید و دیگر معمول در رسوم
 چنان بود که هرگاه سلاطین بر رسم تفریح در داخله ملکت گردش می نمودند حکام ولایات عرض راه پیشکش پادشاه
 و شتر بانی و غیره بجهت حضور سلاطین و تعارفات و تشریفات برای طرین کاتب بعمل می آوردند و همچنین
 هر یک از شاهزادگان و حکام ولایات که بگردش بلوکات ولایت خود میرفتند از صنایع و ثواب بلوکات
 در رعایا از این قبیل تعارفات و تکلفات مطالبه میزدند و که لکن شاهزادگان یا سایر نوکرهای دولت
 که بجائی نامور میشدند از این قبیل تشریفات متوقع بودند و این بار نیز سر بار محسن ارج رعیت و موجب خست
 و زحمت آنها شده لذا از ای جهان آرای همایون فرموده امرو مقرر فرمودند که من بعد حکام ولایات ممالک

۳۰۳۱

تجدید حیات در ایران بعد از انقلاب و دوران جنگ

۳۰۳۲

مردم هر جا طرف که بویک نیروزی گویش داشتی در سر یک از بلاد ممالک محروسه تشریف فرما شوند تا ذوق
 نخواهند بود که حبسه دیناری بر سر هم بکشند و پانزده غیره حتی قسری از خاک پای مبارک بگذرند یا بگونه تعارضات
 و تشریفات بجهت ادلیای دولت یا سایر مشرین رکاب مبارک بعمل آورند و اگر معلوم شود که بخلاف این حکم رفتار
 شده است و کینه هر دو معاشرت معاقب خواهند بود و همچنین با ذوق نخواهند بود که در صحن تاجان و شاهزادگان
 و چاکران در باری تعارف و تکلفی کرده باشند هنگام کردش حکام بپوگات حبه و دیناری نقد یا جفا خودشان
 یا نوکران و مسرمانان از اهدای مطالبه نمایند حتی سیورسات را هم رعیت دریافت نمایند و اگر مالیات
 داشته باشند یا نه لایست و بجای از رعیت دریافت داشته در عبور و مرور بجهت خود و مسرمانان ضرورتاً
 خود را از رعیت خریداری نمایند هرگاه بعد از این حبه دیناری از رعیت باین مسامح دریافت شود رعیت
 ناذون با مور است که کیفیت را بعضی اولیای دولت علیه برسانند البته عامل این عمل مورد مواخذه و عقوبت
 شد خواهد شد (ه) همچنین رسم و معمول شده بود که چاکران در باری بجهت برداشتن حکومت و لایا پیشکش داده بگوشه
 نامور میشد و مسلم است که آنوجه پیشکش را بالمصاعف اگر خیال داشتند از رعیت دریافت کنند بجهت پیشکش نمیدادند
 و بعضی باعث خرابی کلی رعیت عدم استظهار حاکم حکومت خود میبود لکن اسرار حضرت قضا شوکت همایون
 شاهنشاهی محض آبادی و لایست و آسایش رعیت برداشت بجهت و الا نعمت مولا کانه فرض و متحم فرمودند که این
 قاعده را بکلی از این دولت مرفوع و موقوف دارند و من بعد احدیر ابو اسطوخودوس حکومت لایستی امور تقریباً
 و پس یک از حکام را نیز بدون سبب موزل نمایند مگر اینکه از قواعد و ادامری که ادلیای دولت علیه بجهت حکام ولایات
 مقرر داشته اند تخلف کنند در اینصورت بجهت قصیرات خود تنبیهات مقرر و در چهار خوا هستند (ه)
 و دیگر آنکه حکام ولایات قرار گذاشته اند که هر وقت نالی در خاک ولایت آنها برقت میرفت غرامت آنرا از
 رعایای آنجا محول و خوش میگرفتند و در حقیقت بمعنی باعث حفظ سارق و صده رعیت میشد لکن اسرار حضرت
 همایون شاهنشاهی ایوان عیبه ایوان چهره امرو مقرر فرمودند که من بعد هیچک از حکام ناذون نخواهند بود که دیناری باین
 غرامت نال از رعیت دریافت نمایند معلوم است نالی که برقت میرد از بی همتای مستحقین و قرا سون معابد و شوارع
 خواهد بود و اولاً باید سارق را بدون عذر پیدانمایند و اگر قرا سون در آوردن نذود و حفظ راه اعمال در زود مورد پیشکش
 در هر صورت گرفتن غرامت از رعیت خلاف عدالت است و اگر بعد از این دیناری باسم غرامت از رعیت مطالبه
 شود رعیت ناذون خواهد بود که بعضی ادلیای دولت برسانند و عامل این عمل مورد مواخذه و سیاست خواهد گردید

در قسمه ای که در روزنامه آنجا نوشته اند امور بکفایت نهایت استقامت و تفهیم با طرا دارد و کارگزاران دیوانی با
 مراقبات کافی در نظم و خدمات خود و نسق و انجام امور است اتفاقاً بطور رسا نده دقیقه از مراتب
 کفایت استقامت را مصل و متردک نمیکند از (ه) و چون در این اوقات سردار کل بجهت نظم امور و مسجدهای قرا بعضی

آوردگان

تقدیر جناب آذربایجان

کارنامه لایق تجرجه و فتح و شاه است میرزا ابوالقاسم میرزا ملک میرزا احمد خان ساعد الملک دکتور حسین خان
امین نظام بر حسب دستور لعل مشایخ خدمات نژاد و امورات الثاقبه را با استحضار و اطلاع شاهزاده معزالدوله
فصل داده میدهند (ه) جعفر حسین نام صوفیایی که از الواط و هشتر مشهور آذربایجان بود و چندی بود
آنها را بجهت استر و اموال مردم که سرقت کرده بود نزد حبس نگاه داشته بودند در این اوقات بر حسب حکم
شاهزاده معزالدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان بسیاست رسیده اند

خرابان

در این شبه در آن سینه خیزانیت در این وصل خیزانیت خبی خبی

و تاریخ و احوال

استر آباد در این شبه جز امیت و لایت و آسایش رعیت خبری نبود که نوشته شود کیلان
از قراری که در روزنامه آنجا نوشته بودند این اوقات در دریا طوفان عظیم بسیار پیدا شده است از جمله
چهار فرد کشتی که از باد کوبه بانزلی می آمده بود وسطه کولاک دریا در لنگرگاه ایستاده بخار شوم استیج و پیایه
بعد از آنکه آسایشی حرکت مینماید تا طلم دریا پیکر تبوعی زیادی شود که عجایب کشتی با تبه طن بهای لنگر بار
بریده کشتیهای ختیار ناخدا هر یک بطرفی زنده میمانند و اغلب اموال و نفوس موجوده در کشتی غرق می شود
از جمله یک قطعه کشتی که بارش تمام فلفله بوده است با شست فلفله کلا غرق میشوند و بعد از دور در بعضی از حیکهای فلفله
در کن جزیره کوچی صفهان که بیشتر سخی آنری است می بینند و یکتیم که ملکبار داشته یکی غرق می شود و دو
کشتی هم که آهن بار داشته در پیروی برج غازیان فرو میرود و کینف از جمله این دو کشتی غرق و دیگران بسبب است
بخاراقا داده اند (ه) در همین روز چهار کشتی از مال المالی آنری که ماهی بر کرده بمنازل دران میسیر و از غرق
و منفق شده است (ه) در است و یک ماه شعبان نیز دو کشتی دیگر که یکی از ماندران می آمده و بیخ بار داشته
و دیگری فلفله داخل دهانه آنری شده موج در پیورد و غرق نموده است ماندران در این شبه روزنامه رسیده است

۳۰۳۳

جناب ابراهیم

صفهان از نیولایت در این شبه روزنامه سینا آمده بود بر و خبر از قراری که در روزنامه آنجا
نوشته بود و چیزی قبل از این ازدی در محله دو دانگه شب بگذر بر خورده کرده راجحی رسیده اگر کرده بود
شاهزاده عصفه الله و قدغن کهید که خدایان محلات در خصوص سپید نمودن ساهق مزبور نموده بودند
که خدایان نیز بزرگ محلات افزوده مراقبات اقیه لعل می آورند تا در ماه گذشته بار سه نفر در دو چهار کز جمعی
میکردند کینف آنها سیکر دو و نفر در همانند علی الصبح آن کینف را بحضور شاهزاده معزالدوله معزالدوله معزالدوله
استر ازدی کرده رفقای خود را که هشت نفر دیگر از طایفه حسنوف بوده اند و قریب دوازده سال بوده که در
قریه کنگران بسر میبردند مدارسشان بمرقت مال مردم میگذشته و طلبه ادینا میر شاهزاده معزالدوله که طلبه ذوق
میسر شده و بعضی اموال را استر داده کرده اند و باقی را در مقام استر داده است (ه) چون حکم ادلیای دولت
عزیزه مقرر شده بود که شاهزاده معزالدوله در خصوص غرس درخت تود و کاشتن روناس در خاک برود و در وقت

مغزی الیه عبوسوم ملاک لایست قد غن اکید نموده اند که در املاک خود درخت تو دغوسس نمایند و در و ناس بکارند
 و مردم با شوق هر چه تا مستر مشغول بوده بنا کرده ها گویند و شاه هزاره مغزی الیه در باغ شاه و باغ
 شرفیست سه هزار هکتار درخت تو دغوسس نموده اند و جمیع مردم قلباً شایین این کار هستند و بخت
 کمال و در همه جوان رسایند

تاریخ و اخبار ایران

۳۰۳۴

بزرگ از قریه که نوشته بودند در این اوقات قافله از ارض اقدسی می آمد و از قراولان و سخطین
 راه لازمی حفظ و محاربت در حق آنها عمل آورده بودند و تا نزدیکی در بند کرمان رسانده معادست کرده بودند
 قافله نوبه در نزدیکی در بند خیال خود از استپ بلج و قطع الطريق ایمن کشته بجهت که اردن نمانند می آیند
 و مالهای خود را با نمایی که ضعیف که طفل خود را در اجنل نگاه داشته از آب پیاده میشود و با شوهر خود میگوید
 هستی دیگر نیز در همین جا رسیدیم و بلج آمده ما را برهنه کردند شوهرش او را اصرار بسیار شده میکند او در انکار
 مبالغه نماید در این شناسا است نفر بلج که پیش از وقت بستو کرده بودند از کین کاه پسران آمده بانی نمیب عازت
 میکند از ضعیف اسب خود را بجانب قلعه میآورد و نفر بلج در انجا تقب میکنند و چون نزدیک میرسد آن زن
 طپانچه فاشین بر او آورده بنا خالی میساید و بهر طور بوده خود را بنزدیک بلج در بند میرساند و چون می بیند
 که بلج با او خواهند رسید طفل خود را از اجنل خود را بر اسب میرساند داخل میشود و از قراولان که طلب طفل میکنند
 بعد از آن شوهرش برهنه وارد می شود و ضعیف را با پا بند تو مانج بگفتند که در نزد او است داشته سالم می پسند
 و چون این نوع رشادت از زن کمال غرابت است در روزنامه نوشته بودند و بعد از آنکه این فقره بعرض
 اولیای دولت قاهره رسید بعلی محسن خان همام پیشخدمت که در سیستان است امر و مقرر نمودند که مکتوبین است
 آورده احوال منوچهر پسر و مادر (۵) از سب بر ولایات عراق تازه خبری رسید بود که روزنامه سوا

سیستان از قریه که در روزنامه آنجا نوشته بودند در هنگام کمسیر در قریه ایست بنا بر قاعده مستمره زنهای ایلات صحرا
 و بیاده میرفتند ضعیف حاکم در این احوال وضع مجلس میشود و دختر یک پسر وضع میان ضعیف مزبور در دو ساعت
 در میان صحرا آن طفل اچیده بردوشش گرفته روزه نشود و خود را بهر آن میرساند و این قوه و چابکی از زن کمال
 غرابت است (۵) بومی سیستان در سال زیاد سرد شده بود بحدی که در هیچک از سنوات سالها باین قسم سرما
 در خرم آبادست به شده است **کرمانشاهان** از قریه که در روزنامه آنجا نوشته بودند امور اولاد
 در نهایت اشغال و انالی از ضعیف قلب دعاگوی دولت ابد فرجام میباشند (۵) شش هزاره معادالدوله
 حکمران کرمانشاهان محض غور روی در محاسبات و معاملات صباط و ثوابت و رفع تعدی و احمافه از
 رعیت هر یک از باشترین بلوکات را خواسته مشغول رسیدگی محاسبات آنها میباشند و باین اینه
 پسر مردم دعاگوی ذات کثیر البرکات اقدس همایون شاهنشاهی **سند** روزنامه و خبری تازه
 در آنوقت لایست رسیده است

تاریخ و اخبار ایران

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ نهم پشیمانی و بیستم رمضان مبارک سال ۱۲۷۶

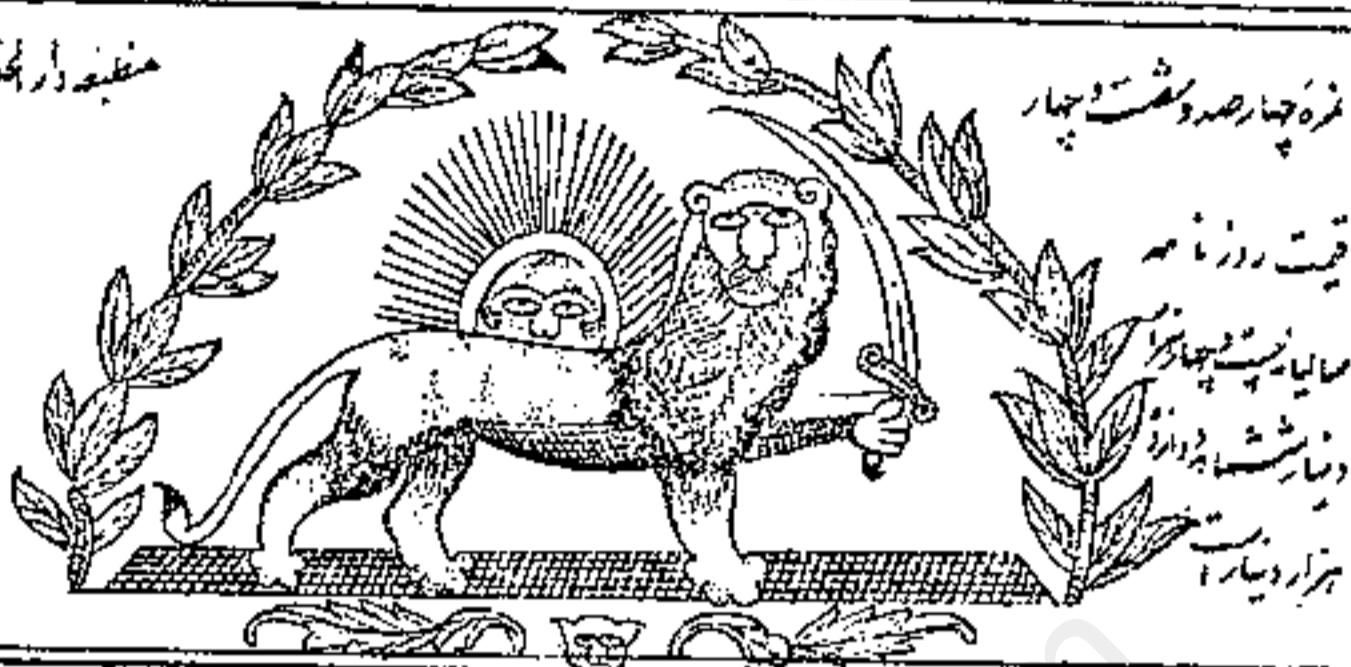
منظور دار نجف اشرف طهران

روزه چهارصد و هشتاد و چهار

قیمت اصوات

قیمت روزنامه

مطری درسا



اخبار داخله ممالک محروسه

بسم الله و جود مسعود همایون در نهایت صحت است همه روزه مشغول انجام مهمانگاری و سپاهی رعیت هستند در این ایام مبارک
 رمضان وجود اینکه ایام تعطیل و اعتکاف مردم در مساجد است سرکار علیحضرت اقدس همایون محض بسنگ در امور است
 و کارهای دولتی تعویق و تعطیلی حاصل نشود کشته روز آرات غروب هر شب آمانجیاعت از شب گذشته با مودت
 رسیدگی فرموده اکثر محاسبات سناضیه که باید بعضی همایون برسد در همین اوقات در دفتر خانه مبارک نوشته شده
 و بعضی رسید و همچنین دستور العمل نه است که حکام و مباحثین را از نظر باید معاطه و داد و ستد نمایند بعضی حضور
 رسیده که در همین چیز روز بمالک محروسه افسان خوانده شد مستوفی الممالک در گذر اذن محاسبات سناضیه
 و دستور العمل نه است با کمال دقت رسیدگی نموده خوب از عهد برآمده و محاسبات را در کمال تنقیح از عرض خاک
 مبارک گذرانده (ه) چند دفعه هم در رمضان سگوار اقدس شاهنشاهی سوار شده بشکار آمده و گردش فرستاده در سینه هم
 و رمضان در میدان ارک سنان قشونی را که باید بخراسان برود دیدند سواره با جلان و محبتیاری در نهایت اعیان با اسب
 خوب از حضور گذشتند فوج رحمة الله خان شتاتی که با کمال آراستگی حاضر بودند با کمال دقت در میدان بکار
 آنها رسیدگی کرده انعام داده مرتضی فرمودند که در همان ساعت از شهر پیرون فرستادند بخراسان بروند و در آنجا
 بسزیه میدان که بسیار محل با صفا همیشه در ماه مبارک رمضان هم در سایر اوقات اسباب طوبیالات اشیا نفیسه
 مرغوب یکبار از تشریف فرما گردیده و حسیع دیلی دولت چاکران حضرت در حضور همایون مشرف بودند
 بعضی اشیا مرغوب نفیس محض میسوداری عاقله تجار و کسبه اتباع فرمودند چون همه سال رسم و معمول است
 که در ماه مبارک رمضان بان میسودان تشریف میزدند اما سال هم بنا بر رسم
 معمول تشریف فرما گردیدند

احوال متعلقه بوجه مسعود مبارک علیحضرت اقدس همایون علی

۳۰۳۵

وقایع دیوانخانه عدلیه

بعضی از رعایای شاه رود و بسطام در بار عدلیت در آمده در دیوانخانه عدلیت از قضاوت بر اینچنان عالم خود عارضی
 کرده اند که با آنها بعضی خلاف حساب تعدی نموده است برخی دیگر نینسند از رعایای آنجا بر خلاف آنها اظهار حساسیت
 از رفتن را و کذب سخن عارضین نمودند از همسای دیوان عدالت در این باب خود رسمی کامل بعمل آمده معلوم کرد
 که در حق بعضی رعایا برخی خلاف حساب از مباشرین عمل در آمده است لهذا حکم محکم از دیوان عدلیت عظم صادر کردید
 که ایشانیک آقاسی باشی از آنها ضمیمه نظر نمود و بعد از آن اسم خان مباشرین قدغن نماید که من بعد بر خلاف ماضی رفتار
 نمایند و رعایا را کلاً از حسن رفتار و درستی حساب خود راضی دارند و اگر کعبه از این معلوم شود که دیوانی بخلاف حساب
 از رعیت دریافت نموده چیزی دارد آورده اند مورد مواظده خواهند شد مشارالیه نیز در این باب لازمه مراقبت
 بطور رسانه آنها را با سفارش نامه مضبوط خشنود روانه کرده است (ه) شاهزاده مستخدمه برجوم معیر الممالک
 در دیوان عدلیه عظم تشکی نمود که صبیته مشارالیه را زوج محمد علیخان پسر سردار بجان فوت شده از باستان ریش و صدق
 حق مشارالیه را اندازه اند بعد از تحقیق مراتب معادل کیزار و دویست تومان از بابت متروکات ارضیه صبیته
 مشارالیه بجهتی اصدی از کاشان دیوان عدلیه باستحضار و اطلاع سید محمد بن آقا سید صادق از مدعی علی
 استرداد کردید و چون جمعی بوجوب اشد صحیح شریعت از مشارالیه طلبکار بودند خواه مزبور از جانب معتمد الدوله
 وزیر عدلیه خدمت سید مغزی الیه امانت گذارده شده و از با بطلب در خدمت ایشان حضور بهم رسانده از قرار و
 سه هزار دینار طلب خود را دریافت و باقی را بشار الیه امانت نموده ملکات خود را در اول نمودند

سایر جناب دار الخلافه

بخدمت تعالی در دار الخلافه خادانی نعمت و حصول آسایش در فاقه بیت نامه برای عاقله مردم حاصل است و خواص
 و عوام بدعای بستی ذات کثیر البرکات شاه شاه سلیمان پناه خدایه ملکه و سلطانه شغال دارند (ه)
 در اول محل باران بسیار خوبی آمده بعد از آن نیز در نواحی دیوگات حول حوش دار الخلافه بارندگیهای مانع
 شده است و از شب هفدهم ماه مبارک تا چند شب دیگر نیز هوا ابر بوده در شب هجدهم و بعد از آن باران خوبی
 آمده جمیع مردم را اطمینان کلی حاصل گشته تا قیوم و زارعین آسایش کلی بهم رسانده اند و از این بر بگذر نیز مردم
 شاکر و خوشوقت پیشینند و در این ماه مبارک عسوم الی با کمال آسایش مشغول طاعات و عبادات شده
 در صنایع بور فرود شد غیره رسیدن جلوارک مبارک را با انواع مخصوصه بسته زینت تمام داده اند و از هر
 اجناس مختلفه و مصنوعات غریبه آراسته بر روی بسته اند که در هیچک از سنوات باین طرز دشکوه نبود هرگز که عالی و ادالی
 الی ولایت از نو کرده عنیره روز و شب بعد از ادای فرایض و اعمال مستحبه بجهت تماشای خریداری با تجار قه قه بیجا
 نظر بفرموده حضرت و عنایت ملوکانه در حق شاهزاده محمد تقی سیه زامعزی الیه را با خطای کتیب جبهه تره حاشیه
 سرافراز فرمودند (ه) چون محمد ناصر خان ایشانیک آقاسی باشی همواره خدمتگذاری مراتب حسن کفایت و

وقایع و جناب در بار عدلیت دیوان و دار الخلافه

تقدیر و استیلا و اجتناب از معصیت و اجتناب از احوال و احوال

صدق ارادت خود را در پیشگاه حضور با سهرالزهرا حدیث غنی ظهور رسیده است خاصه در عیاد مبارکه که لازم
است تمام در ترتیب صفوف استقامت عمل آورد و لذا او را با عطای کثیوب جنبه تریه کثیری از جاه خانه
مبارکه سرافراز و مفضل فرمودند (ه) نظر بر ائمه خدمت صداقت حاجی محمد خان حاجب الدوله که همیشه خانه
هر مطایره ایون ادر طریقه صداقت و خدمتگاری خشنود دارد و در ائمه شایستگی دریافت او کقطعه نشان ایشان
از درجا اول سستی و حایل مخصوص آن مرتبه رحمت فرمودند که با کمال اشعار زینب پیکر عتبار خود سازد و بواسطه
پردازد (ه) چون آقا سعید شینجه مت نامور مجلس صحبت خانه است که روزنامه آنجا را بعضی حضور برساند و خدمتکار
قدیمی است لهذا موافق فرمان همایون او را بعب این مصلحت خانه سرافراز فرمودند (ه) نظر بنسبت عهد الدوله
حاکم بر وجود در روانه کردن سواره با جستان و بختیاری کمال مراقبت عمل آورده بسیار خوب فرستاده بود و در نظر
زیاد سخن آید لهذا موافق کثیوب قبا زری لطف می از لباس مین مبارک در حق او رحمت فرمودند و سلطان محمد میرزا
پسر مغزی الیه را هم بریاست سرپرستی سواره مزبور مرافق فرموده فرمان و طاعت محبت شد (ه) میرزا محمد علیخان
نایب اجود انباشی پسر مرحوم میرزا ابراهیم خان کارپرداز اول سابق بغداد که بصفت کاردانی مصنف است و بعد
فوت آن مرحوم که مورکار پرداز خانه آنجا بعد از او گذار بود با کمال عقل و قاعده انی بانجام رسانید مراتب شایستگی
و درایت او بعضی خاکهای مبارک رسیده مورد توجهات سرکار عالیحضرت شاهنشاهی خلدانه مکه و سلطانه آمده بر حسب
فرمان مولهان مبارک بمصعب کار پرداز اول و مخصوص بندر ممبئی ممتاز و با عطای کقطعه نشان سر بر یکی اول با کثیوب
حایل سفید مخصوص آن دیکثیوب جنبه تریه که مانعی سزاوار کردید و بحضور اقدس همایون اعلی شرفیاب شده اجازت
رضت حاصل کرده روانه محل ناموریت گشت و میرزا عبد الرسول هم که نویسنده وزارت امور خارج بود بنیاست
و خشکی کار پرداز خانه ممبئی بر حسب فرمان همایون سه مرتبه کشته با تفاق او روانه شد (ه) چون در روزهای
سابق در الحنا فطران شرحی در باب ترقیات متعلق در سنه دار الفنون نوشته شده بود که اگر چه آنکه در وقت بنای این
در رسیده است تا کردان در سنه کوره در غلب علوم درجه عالی یافته اند چنانکه در علم حساب می تواند بهتر از خاصه
شیخ بنائی نویسنده بعضی مردم که از ترقیات آنها چندان استخاری بنامش این مطلب را محل براغواق کردند بجهت رفع این
از خاطر امیرزاده الفت را که یکی از متعلمین در سنه است در صد جواب برآمده هر یک از مسائل لا محاله آخر خلاصه شیخ بنائیرا بوجوه
حدیده جواب نوشته است و صاحبان انصاف میدانند که کمتر رساله در حساب بنی خوبی نوشته شده است و چون این
رساله بجهت رفع شبهات مردم چاپ شده هر یک از کتبی که معرفت عقائد سلطه وزیر علوم بودند از اهل این فن رسیده
یک جلد داده شده است باقی در کتبخانه مدرسه است هر یک از حکام بلدان بجهت اهل فضل بد خود خواسته باشند از رضا قلیخان
رئیس مدرسه بخراهند بسته بدون مطالبه قیمی خواهد داد (ه) محض و غیر مصل خاطر مبارک شاهنشاهی با تمام مکررات که توابع
بسیار از دانشی میشود عقائد سلطه و وزیر علوم را که حضور او در خاک پایبار که بجهت مجلس شورای کبری و سایر خدمات دولتی
لازم بود بجهت انجام این خدمت نامور آذربایجان فرستاده در روز شنبه هشتم شهر رمضان المبارک یا صاحب معصیان کفران

۳۰۳۷

بیتختیار در اجازت

روانه تبریر شده و محض ظهور رحمت در حق مغزی الیه با عطای بیکر اسب از بطلان خاص مبارکه بارشده و بران
طلسم افزا کردید (ه) کتابچه که در خصوص عمل تکرات و تکالیف عموم مردم در آنجا بیا آمده است بعضی از آنرا
شاهزاده محمد اسلطنه وزیر علوم نزد ذی‌الای عظام فرستاده اند که بهر کس صلاح دانند برسانند و قدری بهم
کتابخانه مطهره منبسط است که اگر کسی بخواهد داده شود

از اجازت

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بود در امور آن مملکت منظم و عشق چاشم و مردم به عا کونی هشتال دارند (ه)
امور است در سه نظام دار اسلطنه تبریز و باقی سایر نادر ترقی و عدت متعلین در ثراپ است تا این اوقات متعلین
در سه پنجاه نفر رسیده اند و بر خلاف اوایل حال که بسیاری از اشراف اعیان تبریز اطفال خود را بدرسه
نمیبردند در این اوقات که فواید اینکار معلوم آنها شده است و ثمر تحصیل را معاینه در ترقی اطفال ملاحظه کرده اند
هر یک بر عهبت تمام اطفال خود را بدرسه برده بر یکدیگر سبقت نمایند سهل است بعضی از اعیان ولایت که در باب
منصب و شغل هستند خود وقت درس بدرسه شده درس بخوانند و بعد از فراغت بر بهر شغل و عمل خود میروند و در
در سه محمد صادقان نهایت اهتمام را در اسلطنه امور مدرسه مذکور بعمل می آورد

مردمان

در این روزنامه
از آنجا که
بیتختیار
در روزنامه
شده

اجازت

اصفهان از آنستاریکه در روزنامه آنجا نوشته بود شاهزاده چاشم آقاده در نظم و نسق ولایت
در رسیدگی امور است اتفاقیه و خود رسمی در مطالب و عرایض مردم کمال مراقبت و اهتمام را دارند و میرزا ابوالخیر
پیکار شاهزاده مغزی الیه نیز در شمع محاسبات و رسیدگی محاسبات محول بخود لازم مواظبت مرتعی میباشد و در
الی با شریع بال و رفاه حال مشغول امور رعیتی و کاسبی خود بوده در عای بعضی دولت پهل اشغال و
توجه آن افواج متوقف صفهان با کمال نظم و درستی حرکت نموده صاحب منصبان آنها لازم اهتمام در نظام امر آنها
نمایند **کاشان** از آنستاریکه در روزنامه آنجا نوشته بود شاهزاده آقاده ولایت کاشان را در کفایت
عیسی خان پیکر سپکی حاکم آنجا نهایت اهتمام را دارد (ه) خلعت جوآیت همایون که با خنجر مش رالیه شرف اعطای
و عزت افزای شده بود شرف وصول از زانی فرستاده مش رالیه لازم استقبال مرتعی داشته خلعت مبارک را از سپهر
اظهار خود ساخت به لوازم خدمتگذاری پرده بسته (ه) و از آنستاری که نوشته بودند جمعی از سارفتین در راه شوراب کین
واقف نشده بودند قافله آمده بود که عبور نماید سارقین از کینگاه برآمده دست یکان یکا ز استاموال را برداشته و در شوش
کی از اهل قاسم بطوری دست خود را باز کرده بختجوی معادنی برمی آید از اتفاقات قراسورن عرض راه با شخص برخورد و در
معلوم می نمایند در تعاقب سارقین میسازند سارقین که مطلع می شوند اموال را بکنداشته فرار می نمایند در شعب کوه پنهان
می شوند قراسورن اموال را آورده صاحبانشان ا خارج البال نموده مال هر یک را تسلیم نمایند
از سایر ولایات عراق در نامه خبر تازه بود

تاریخ و احزاب ایران

در روزنامه آنجا نوشته بود که ضیاءالملک حکمران عربستان محض رسیدگی باحوال رعایا و عشا یروا شطام امر سرحد و غیره
 آبادی پسند روزه محرمه در قسطنطنیه که کنه و حوام و بازار و کاروانسرا که ساخته شود و دستار در آن در چهارم شهر رجب المرجب
 که آفتاب در برج دلو دفایت اعتدال هوای همسند و شط العرب آن سامان بود از قلع مساسل شوشتر تا ثوب و سر بار و
 سواره و استعداد کامل حرکت نموده بجانب محرمه روانه گردید همه جا در همه برنازل کمال رسیدگی باحوال رعایای آنجا نمود
 تا در محرمه هجری شد چون سابقا بجهت پاراهنق شتات که میان شیخ اشعاب حاصل شده بود حایب جابر خان
 از حکومت محرمه و شط العرب عزل نموده بود ثانیست بگورمت آنجا برتسار نمود او را با دو نفر از پسران او شیخ محمد خان و شیخ
 عیسی خان و هشت نفر دیگر از شیخ اشعاب علی حسب مراتب صفت داده بر شمل و عمل خود برای انجام خدمات دیوان
 اعلی مستقر و مستقر نمود و کوه تین نامر و حسیلی که عبارت از دو قلع باشد که در آن سرحد واقع است از قشون دولت
 برای ساختن و بنظن نام امر سرحد گذاشت همچنین شیخ فخر سخا و شیخ الشیخ را هم در صلاحیه و توابع آن مستقر نمود
 طویفین او را بنشیند در صلاحیه و توابع آن جا بجا نمود و از نظر همین است تمام گرفت که هیچیک از حد خود بخت در ننمایند
 و چون محمد علی پاشای میر سیران حکمران بصره را در و در ضیاءالملک بجزه اطلاع بهم رسانید که کاغذی مشتمل بر آنچه
 دولت عثمانیه در بجهت تبریک ضیاءالملک نوشته بعضی است محمد حسین افندی کاتب دیوان محرمه فرستاده و از جانب
 ضیاءالملک هم نسبت با دیکال پذیرانی عمل آمده آقا غلام حسین و گیسل التجار بصره با تجار متعهد دولت علیه که در بصره
 تجارت مشغول هستند چیرین ضیاءالملک آمدند و مذکور داشته بودند که هرگاه عمر بکلین آبادی بر آید و این بانی
 خیال دارند در اینجا ساخته شود یکی از بنا در بسیار معتبر و تجار نگاه عمده خواهد شد ایضا در آن چند روزی که
 ضیاءالملک در محرمه بوده است کشتیهای تجاری زیاد وارد محرمه شده بود که از جمله آنها یک کشتی بزرگ بوده که او را
 غراب بن جمال مینامند و از قرار تقریر تجار قریب یک کروز مال تجاره در میانش بوده و اسبابهای نفیسه داشته
 بعد از اشطام امور آنسر حد ضیاءالملک از راه هویزه مراجعت خواهد نمود و دستار مدار و بنای سده مبارکه تا صریح را خواهد
 و از آنجا بشوشتر معادمت خواهد کرد (ه) و دستار که در روزنامه شوشتر نوشته بودند محمد حسن خان تاجیب الحکومه
 شوشتر کمال رسیدگی با مورد رعیت و نظم و لایست اشطام طرق و شوارع در دهر رعایا با تسودگی بدعا کوفی دوام کرده است
 سرکار محضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاهی بهشال دارند

۳۰۳۹

تاریخ فارس

در روزنامه آنجا نوشته بود که شاهزاده حسام سلطان در اشطام و اشاق حمام دیوانی و محکمی نهایت اهتمام مری میباشند و
 و از قرار که نوشته بودند چیزی بود که در شیراز نواحی بارنگی درستی نشده بود و قدری بر تعبیرات اجناس افزوده بود در این اوقات یکشنبه
 علی اقولی از ابر رحمت الهی بران آمد تعبیرات منزل نموده آسایش و اطمینان بجهت انالی حاصل گردیده است (ه) حشمتی نام که مباشرین بنی
 بوده از جانب میرزا محمد حسین بهکار فارس ابی تحصیل مجدد دیوان در میان ایل بوده در کربسیر محمد جعفر خان پلور داد و اربابهای بنی
 و شبانه در بقیل ساخته اموال او را با وجه تحصیل برده اند محمد جعفر خان کوچسیده بهر ابلخان ایلیانی پناه آورده است و کسان متغیر
 حاضر شده از جانب شاهزاده حسام سلطان بطلب محمد جعفر خان روانه ایل نشین گردیده است

روزنامه و قیام تفاهت بیخ یوم شنبه یازدهم شوال الحکم مطابق سال چینی ۱۳۲۶



اخبار داخله ممالک محروسه

الحمد لله تعالی مزاج صحیح و هم روز مشغول امورات دولتی و غیره هستند (۵) چون هوای طهران سردی گرم شده است کمتر سوار میشوند مگر سفت یکروز برای گردش و تفریح است شیران که بیلاق است تشریف میبرند و الی آخر این ماه در طهران توقف دارند بعد از آن تشریف فی سلسله سیاحت خواهند شد (۶) و در قیام با سبب دانی تشریف برده و بسیار خوش گذشت امسال عمارتی تازه بسیار عالی در آنجا بنا کرده اند چون سابقا عمارت اسب دوانی بسیار محقر بود و امسال در همان وز بسبب دانی عمارت هم تمام شده بود در آن در جمعیت تماشاچی زیاد از حد بود که بسجوف در بسبب دوانیهای سابق اینقدر جمعیت نمیشد و هر سال بسبب میدادند امسال پنج دسته قرار داده بودند و بسبب دانی دولت اسبهای خوب گذاشته بودند اکثر اسبهای شاهی سرکاری پیش آمده پسندیدند و اسبهای عین المکاب ناظر و بعضی از اسبهای دولت هم پیش آمده پسندیدند و پول پسندیدند اسبهای مهم بسیار زیاد در سنوات سابق قرار داده بودند بعد از بسبب دوانی مراجعت بشود فرودند

حوالات مستقیمه بروج و محله مستقیمه در طهران

۳۰۴۰

نظر بر احم لوکانه در باره شتران در کنگراند و در شیر میرزا معزنی الیه را بگوست و لایت کیلان و مصافحات سرافراز فرموده است آن مهر لعلان مبارک بشرف اصدار پوست و خلعت مهر طلعت مبارک را پیرایه نیکو افشای فرموده در همین روز در وانه مهر حکومت خود خواهند شد (۵) و میرزانی که مستوفی رشتی نیز که بصفت کفایت و کار دانی متصف است منصب در استان ایالت مزبور بموجب فرمان مهر لعلان مسایون قرین افشار و امتیاز کردید باقتضای معزنی الیه روانه خواهد کردید (۶) و بعد از حسین خان غلام میخندست هم که سابقا تخریدار و جوچه سزانه صفهان بود بجهت عیداری کل کیلان سرافراز شده فرمان مبارک و خلعت مهر طلعت مرحمت روانه کردید (۵) و چون اعتماد الدوله در خدمات تخریدار بود مراتب کفایت در پیشگاه

مهرار قیام در باره مستقیمه در طهران

تقدیر خیر از بارهای بد و آزارهای نیک

حضور با هر انور همایون بخصه ظهور رسا و است کفایت و حکومت و لاییت یزد را بعد از معزی ایسه منظور
 و موقوفه داشته فرمان مبارک و خلعت طوکانه عنایت و درخت گردید و چون صاحب یوان حاکم سابق یزد
 در دیار معد لهند از همایون درو قراستین خدمت عمده بعد از و تحویل بود و در غیاب او منتظم نبود احضار
 برکاتب مبارک شد که بخدمت مرجوعه اشتغال نماید (ه) و چون مراتب درایت و فراسم کفایت مجدالدوله
 منظور نظر عطف اثر شایسته است معزی ایسه را حکومت و لاییت خدمه سرفرازی داد و با عطا خلعت
 طوکانه و اهدا فرمان مبارک قرین افتخار فرمودند (ه) و نظر بانکه سپهسالار در ان نظام عمام عساکر
 حضرت فرجام مراسم خدمتگاری و مراتب جان نثاری بقصدیم رسانید حسن خدمات او در پیشگاه حضور
 انور اقدس همایون شایسته ای بسره که آمد محض ظهور مرحوم طوکانه در حق معزی ایسه و در با عطا خلعت
 که مرقع سرفراز فرمودند (ه) و چون این لشکر در انجام خدمات خود و شیخ محاسبات عسکریه عثمانی کفایت
 و ایستام بطور رسا و بود محض ظهور عنایت طوکانه کیوب جبهه ترند حاشیه اردو در حق مشار ایسه مرقع فرمودند

و آشنایان آرزوهای نیک

از فرار یک شاهزاده معزالدوله نوشته بودند تا اسمعیل نام سبزواری در لباس اهل صلاح وارد تبریز شد و بحضور پسر
 معزی ایسه رفته نوشته مهور بهر محمد الزمان آقا شیخ مرتضی سلمه الله تعالی بر آورد بود مشعر بر آنکه تا اسمعیل از پسر کاران
 و پریشان و زکاران و مراعات جانب او موجب عنایت سبحان است نه اش مرمون قرض و ادای قروض
 بر مسلمین بقدر معنی و قرض است بچاه تومان قرض او را با یه شهادت انانید شاهزاده معزالدوله نیز مرصفاً لوجه الله
 بچاه تومان بکجه مشار ایسه سراج نام نموده عاید او حاشیه خدمتی نیز بهمان لباس در آن لاییت راه میرفته روز نیست
 و بهتم شهر رمضان المبارک یکی از نامورین حراست بار ارسره و وارزه سال را آورده انصار داشت که این جوان بزرگوار
 کلامی استیاض نموده شش هفت صد پنا نایاد قلب در بهار داده است و میگوید این وجه را از فتنه ذوق قوی شاهزاده
 در دیده نام شاهزاده قوی را احضار و در حقیقت گفتار میناید عرض میکند که این سپه برادر زن هست و بچاه تومان
 پنا نایاد و زبال تا اسمعیل در نزد من امانت است خواه را حاضر ساخته معلوم میشود که تا ما قلب است قوی است
 مطلب چوب بسیاری میزند چون قلبت از اد نبوده است اقراری نمیاید و بعد از غرور سی واضح شده است که این
 سکه و قلب کار آن شیخ طراز است کس طلب او میسر شد چیکه مطلع میشود خود را بخانه ما جمع انداخته پناه میرد
 او را از آنجا محو نموده بطور که بوده است حاضر نمیایند پس از تحقیق اظهار میناید که این کار کار میرزا محمد نام آدم ایوب هم
 او را نیز حاضر ساخته معلوم نموده بودند که در خانه محمد جعفر و علی بیایان که مستاجرین کار و نسری در نازده شهر بان بوده است
 وقوع یافته و میرزا محمد اگر چه مشق و حال نقره سازی بوده است لیکن داخل این خیانت نبوده شبانه آن دو نفر با هم
 با شیخ طراز بدست آورده حاضر و در نفر از عمارت طلب داشته در حضور آنها از آن محمول که با اسم قاضی مرتضی
 نام نموده بود از تا اسمعیل میخواهند بعد از انکار و شبیه بسیار مرموز بر او فرستاد از جانب او آورده بحضور

۳۰۴۱